

# قانونی سازی عدالت ترمیمی: تجزیه و تحلیل تجربی در پنجاه ایالت ایالات متحده آمریکا

نویسنده: تالیا گونزالز<sup>۱</sup>

برگردان: سید رضا سجودی<sup>۲</sup>

## چکیده

در این مقاله، ماهیت حقوقی عدالت ترمیمی در ایالات متحده بررسی می‌گردد که به طور روزافزون، در حال رسمی‌تر شدن است. در دهه‌های گذشته، در تعداد قابل‌توجهی از تحقیقات، روش‌هایی اثبات شده‌اند که از طریق آن‌ها، عدالت ترمیمی به جرائم و آسیب‌ها، واکنش اجتماعی متفاوتی نشان می‌دهد. همچنین، در این تحقیقات، چگونگی اعطای اختیار به افراد و گروه‌ها بررسی می‌شود. بدین‌وسیله، می‌توان خشونت، واکنش به بی‌عدالتی‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نیز مقاومت در برابر نابرابری‌های ساختاری کنونی را بررسی نمود. هنوز هم در این حوزه خلأیی آشکار دیده می‌شود (و آن نیاز به) بررسی جامع نظری و تجربی مدون‌سازی عدالت ترمیمی در قوانین ایالتی است. با توجه به گسترش دامنه‌ی عدالت ترمیمی در مجموعه قوانین رسمی و نیز عملیاتی‌سازی‌شان در چند سیستم عمومی، انجام چنین تحقیقاتی ضروری است. براساس داده‌های به‌دست آمده از تجزیه و تحلیلی که برای اولین بار در پنجاه ایالت انجام گرفت، در این مقاله چنین استدلال می‌شود: میزان کنونی درونی‌سازی عدالت ترمیمی در قوانین، بیان‌کننده‌ی پیدایش هنجار قانونی جدیدی است. براساس این یافته‌ها، نگرش‌های کنونی در مورد عدالت ترمیمی حتماً باید به صورت هنجار بنیاد و تجربی دوباره بررسی شود. این یافته‌ها، مسیرهای جدیدی در تحقیقات ایجاد کردند، اما این تنها علت اهمیت زیاد این یافته‌ها برای اصلاح‌طلبان نیست. آن‌ها قصد دارند قوانین، خط‌مشی‌ها و سیستم‌هایی را ارتقاء دهند که به افزایش بی‌طرفی، برابری و عدالت منجر می‌شود. همچنین این یافته‌ها برای حقوق‌دانانی مهم است که به طور روزافزون با فرآیندهای ترمیمی رسمی سر و کار دارند. درونی‌سازی و انتشار عدالت ترمیمی در قوانین ایالتی نیاز به نقش‌آفرینی قضات، وکلا و کنشگران این حوزه را افزایش داده است. بدین‌وسیله می‌توان به صورت نظری و عملی، عدالت ترمیمی را درک کرد. همچنین با توجه به کاربرد عدالت ترمیمی در مراحل مختلف فرآیندهای حقوقی، اکنون آنان می‌توانند تصمیماتی بگیرند.

<sup>۱</sup> - تالیا گونزالز یکی از دانشمندان با سابقه در «مرکز فقر و نابرابری» در «مرکز حقوق دانشگاه جورج‌تاون» و نیز، استادیار «کالج اکسیدنتال» است.

<sup>۲</sup> دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی - s.r.sojudi@gmail.com

## مقدمه

در دهه‌ی ۱۹۷۰، اصلاح‌طلبان (اصطلاح) عدالت‌ترمیمی را ایجاد کردند و توجه همه به آن جلب شده است. اصلاح‌طلبان در پی یافتن راه‌حل‌های جامع‌تری بودند تا آسیب‌ها، درگیری‌ها و جرائم را بررسی کنند. همچنین بدون اتکا به راهکارهای تنبیهی عادی در سیستم رسیدگی به جرائم کیفری، آنان می‌خواستند پاسخگویی افراد را افزایش دهند. مثل خیلی از جنبش‌های اصلاح‌طلبانه، جنبش عدالت‌ترمیمی همیشه در پی مقایسه‌ی ارزش‌ها و مبانی‌اش با ارزش‌ها و مبانی جاری در وضعیت کنونی بوده است.<sup>۱</sup> اولین روش‌های عدالت‌ترمیمی تا حد زیادی، گونه‌های میانجی‌گری بین قربانی - مجرم و مدل‌های گردهم‌آیی‌های گروهی خانوادگی بودند که در بسترهای سیستم رسیدگی به جرائم اطفال و رفاه کودکان، از آن‌ها استفاده می‌شد. در دهه‌ی ۱۹۹۰، کیفرشناس آمریکایی به نام هووارد زر<sup>۲</sup> اثر سرنوشت‌سازی در این زمینه منتشر کرد و بدین ترتیب هویتی متمایز در رشته‌ی حقوق تحت عنوان عدالت‌ترمیمی شکل گرفت. در کتاب «دیدگاه در حال تغییر» زر دیدگاه حقوقی‌اش در مورد عدالت‌ترمیمی را بیان کرد؛ دیدگاه جدیدی که به‌وسیله‌ی آن، سیستم‌های حقوقی بتوانند جرم، مجازات و آسیب (های) واردآمده در اثر جرم را تعریف کنند و به آن‌ها واکنش نشان دهند. بر اساس استدلال او، رسیدگی تلافی‌جویانه در قبال جرائم به لحاظ نقض نظم اجتماعی از طریق اثبات قانون‌شکنی و تقصیر (متهم)، تعریف می‌گردد. سیستم دادگستری تقصیر (متهم) را اثبات و براساس قواعدی منظم و سیستماتیک، در رویارویی مجرم و حاکمیت، مجرم را مجازات می‌کند. در مقابل، عدالت‌ترمیمی جرم را تضاد بین فرد و حاکمیت تلقی نمی‌کند، بلکه، بر این عقیده است که به طور اساسی، تضاد و اختلاف بین افراد روی می‌دهد. (Zehr, ۲۰۰۵: ۱۸۱)

اثر او به مشروعیت عدالت‌ترمیمی در رابطه با قانون و به خصوص فرآیندهای رسیدگی به جرائم

---

<sup>۱</sup> - تعریفی کلی از عدالت‌ترمیمی وجود ندارد. با این حال، در منابع مربوطه، در مورد مجموعه‌ی ارزش‌ها و مبانی، اجماعی کلی هست. به منظور تحقق اهداف این مقاله، «عدالت‌ترمیمی» را چهارچوبی کلی تلقی می‌کنم که براساسش، از روش‌ها و فرآیندهای خاصی (به عبارت دیگر، محافل، میانجی‌گری‌ها، گردهم‌آیی‌ها، شوراها، حکم‌دهنده‌ی ترمیمی و غیره) استفاده می‌شود. بدین وسیله می‌توان به اهداف عدالت‌ترمیمی دست یافت. این روش‌ها و فرآیندها می‌توانند در چهارچوب عدالت‌ترمیمی، عمل یا مجموعه‌ی اعمالی را انجام دهند.

<sup>۲</sup> -Howard Zehr.

کیفری، جهت مشخصی داد.<sup>۱</sup> گفتمان اصلی در این جنبش مؤید آن است که عدالت ترمیمی به هنجار قانونی جدیدی تبدیل شود، اما شواهد معنی‌داری وجود ندارد که نشان دهد این مسئله در این دوران رخ داده باشد. به عنوان مثال، تنها در قوانین چهارده ایالت، اصطلاح «عدالت ترمیمی» به صورت مدون، بیان شده است.

در گذشته، در درجه‌ی اول، به عدالت ترمیمی به عنوان نوعی خدمات اجتماعی توجه می‌شد که با سیستم رسیدگی به جرائم کیفری و جرائم اطفال ارتباط داشت، اما امروزه در سیستم‌های عمومی متعدد، از اهمیتش کاسته شده است. (۹: ۲۰۱۷، Cshah And Others) این سیستم‌ها روال‌های زیادی در بسترهای رسمی و غیررسمی را در بر می‌گیرد؛ همچون محافل اجتماعی، همایش‌ها و گفتمان‌ها، ساختارهای اعلام محکومیت جبرانی و آزادی مشروط، میانجی‌گری بین مجرم و قربانی، فرآیندهای مبتنی بر زندان و کمیسیون‌های آشتی و حقیقت (یابی) در سطح شهرها و ایالت‌ها. در حال حاضر تقریباً در هر ایالت و در سطوح ایالتی، منطقه‌ای و محلی، گونه‌ای از عدالت ترمیمی اجرا می‌گردد.<sup>۲</sup> بر اساس داده‌های ارائه شده در این تحقیق، چهل و پنج ایالت (مفهوم) عدالت ترمیمی را در قوانین حقوق موضوعه یا نظارتی‌شان به صورت مدون در آورده‌اند.<sup>۳</sup> این مسئله بیان‌کننده‌ی افزایش قابل توجه حمایت‌های رسمی ایالت‌ها از عدالت ترمیمی است. تعداد این ایالت‌ها از بیست و پنج تا سی و دو ایالت رسیده است. (۵-۹: ۲۰۱۶، Pavelka, Sliva, ۲۰۱۵: ۷۷-۸۵) دامنه‌ی قانونی‌سازی عدالت ترمیمی تنها به قوانین وضع شده، محدود نیست. داده‌هایی که در گذشته جمع‌آوری شده بود (۲۰۱۷) نشان می‌داد که هشتاد و پنج مجمع

---

<sup>۱</sup> - باید اشاره کرد که در جنبش کنونی عدالت ترمیمی، در مورد این مسئله اختلاف و تنش زیادی است: آیا همچنان می‌توان این طور تصور کرد که عدالت ترمیمی در محدوده‌ی سیستم‌های حقوقی رسمی یا در مجاورتشان است یا نه و اینکه، چگونه چنین چیزی ممکن است؟

<sup>۲</sup> - عدالت ترمیمی شامل دامنه‌ی وسیعی از روش‌ها و فرآیندها می‌شود که هرکدام به شدت مختص یک بستر است، اما در دامنه‌ی گسترده‌ی «عدالت ترمیمی»، تنوع زیادی تعریف شده است. با وجود بیرون بودن از ساختارهای نظری و تجزیه و تحلیل نظری این تحقیق، این مسئله برای محققان سؤالانی را ایجاد می‌کند که می‌خواهند نتایج فرآیندهای ترمیمی همچون اعتیاد به ارتکاب جرم یا رضایت‌مندی شرکت‌کنندگان و همچنین تأثیر (مثبت یا منفی) فرآیندهای عدالت ترمیمی بر افراد را بسنجند.

<sup>۳</sup> - ایالت‌هایی که را در متن قواعد دادگاه‌های قضایی و مجموعه قوانین اداری‌شان، «عدالت ترمیمی» را به صورت مدون در نیاورده‌اند عبارتند از: کارولینای شمالی، داکوتای شمالی، اوهایو و اوکلاهاما.

قانون‌گذاری ایالتی و فدرال در مرحله‌ای، در حال بررسی قوانین مرتبط با عدالت ترمیمی بودند. بین ژانویه و می ۲۰۱۹، درمورد عدالت ترمیمی هجده لایحه در هجده ایالت پیشنهاد شد. این مسئله شامل قوانین پیشنهادی در کارولینای جنوبی و آریزونا می‌شود. این‌ها دو تا از پنج ایالتی‌اند که در حال حاضر در آن‌ها هیچ نوع قانونی درمورد عدالت ترمیمی وجود ندارد. در کنار سیستم‌های رسیدگی به جرائم کیفری و جرائم اطفال، عدالت ترمیمی در قوانین ایالتی نقش پر رنگ‌تری ایفا می‌کند، در مدارس هم، روالی قوی ایجاد شده است. با توجه به مسیر و رشد عدالت ترمیمی در واکنش به توجه روز افزون به پیامدهای فرعی سیاست‌های عدم اغماض در برابر نقض قانون، روش‌های سلب و محدودکننده‌ی تنبیهی و تأدیبی، نابرابری نژادی و جنسیتی و نیاز شدید به ایجاد جو مثبت و امنیت در مدارس، این الگو چندان عجیب نیست. ( Armour, ۲۰۱۶: ۱۰۱۹-۱۰۲۳)

جابجایی عمودی و افقی عدالت ترمیمی در مجموعه قوانین سیستم‌های عمومی و جنبش‌های اجتماعی مؤید فرضیه‌ی تغییر هنجارهاست که در این مقاله به آن اشاره شده است. با پیدایش هنجارهای جدید، آن‌ها دیگر نه فقط توسط «هنجار آفرینان» بلکه چند فرد، شبکه، سازمان و بانک‌دار در چند سازمان و بین آن‌ها انتشار و انتقال می‌یابد. با توجه به «زبان گویای» قانون، قانونی‌سازی عدالت ترمیمی و افزایش کاربردش در سیستم‌های عمومی یکی از دلایل احتمالی افزایش توجه به احتمال بکارگیری راه‌حل‌های ترمیمی برای حل مسائلی همچون آسیب‌های نژادی، خشونت جنسی، تبعیض و سوگیری، خشونت اجتماعی، بی‌عدالتی زیست‌محیطی و مسیر مدرسه به زندان است.

در این مقاله، در پی دستیابی به دو هدفیم: اول اینکه می‌خواهیم ماهیت حقوقی در حال گسترش عدالت ترمیمی را ردیابی کنیم. بدین منظور، در این مقاله به طور تجربی، مجموعه داده‌ای کاملاً جدید از پنجاه ایالت درمورد قوانین عدالت ترمیمی را تجزیه و تحلیل می‌کنیم. استدلالم این است که عدالت ترمیمی به عنوان هنجار حقوقی جدیدی به وجود آمده است. با این حال، کاربرد دامنه‌ی یافته‌های این مقاله به برنامه‌ی کاربردی تحقیق محدود نمی‌شود. این چهارچوب قانونی رو به گسترش همراه با پذیرش گسترده‌ترش از لحاظ اجتماعی و سیاسی، می‌تواند نشانه‌ای مهم برای جوامع، عمل‌گرایان، آموزش‌دهندگان و دیگر افراد تأثیر پذیرفته باشد. این علامت حاکی از آن

است که در دامنه‌ی گسترده‌ی مسائل مرتبط با عدالت، عدالت ترمیمی همچون یک راه حل است. همچنین درونی‌سازی و انتشار عدالت ترمیمی در قوانین ایالتی شرایط بی‌سابقه‌ای ایجاد می‌کند. بدین‌وسیله وکلا، قضات و سیاست‌گذاران در موقعیتی قرار خواهند گرفت که در آن، باید در مورد نحوه‌ی استفاده از فرآیندهای عدالت ترمیمی در انواع بسترهای حقوقی، تصمیم بگیرند. آکادمی حقوق نمی‌تواند به سادگی، تأثیرات مهم و نسبتاً کلی مدون‌سازی عدالت ترمیمی در قوانین ایالتی توسط ایالت‌ها را نادیده انگارد.

دوم اینکه در این مقاله، درک جدیدمان از چگونگی ارزیابی تغییر هنجار، افزایش می‌یابد. به خصوص آنکه بر این عقیده‌ام که نظریه‌های مهم ساختارگرایانه در مورد تغییر هنجار شرحی دو بخشی در مورد درونی‌سازی قانون ارائه می‌کنند. از این رو، راهکار دقیق‌تری را پیشنهاد می‌کنم که از سه شاخص مجزا تشکیل شده است. این گونه‌شناسی‌ها به معنی منحصر به فرد بودن دو سویه و نیز جامع بودنشان نیست. از نظر من، آن‌ها اولین مداخله‌ای ضروری در منابعند تا هر چه بهتر، بتوان تغییر در طرز درونی‌سازی هنجار جدیدی را شرح داد که در قوانین، پدیدار می‌شود. در این تحقیق، با استفاده از این گونه‌شناسی‌ها، عدالت ترمیمی در حوزه‌ی سامان‌بخشی قوانین را توصیف می‌کنم که توسط ایالت‌ها پدیدار شد، اما نمی‌توان قوانین را به این بستر محدود نمود. درک ایجاد هنجارها در مقابل قوانین (در چند مجمع و انجمن) برای مخاطبین در مقیاسی وسیع‌تر، مفید و ارزشمند است. (از دانشمندان علم حقوق گرفته تا وکلا و عمل‌گرایان عادی و جنبش‌های اجتماعی)

برای شرح مشکلات ناشی از پیدایش هنجارها در چرخه‌ی حیاتشان، هیچ فرمول دقیقی نیست. با توجه به این مسئله باید بگوییم که پیدایش عدالت ترمیمی به عنوان هنجار حقوقی جدید چیزی است که معمولاً به عنوان دومین (سلسله‌مراتب درونی‌سازی) و سومین (درونی‌سازی) مراحل چرخه‌ی حیات هنجار، تعریف می‌شود. جایگاه حاشیه‌ای عدالت ترمیمی به عنوان هنجاری جدید از اهمیت یافته‌های این تحقیق نمی‌کاهد. در حقیقت، عدالت ترمیمی با ارزیابی‌های قبلی در مورد تغییر هنجارها همسو است. به خاطر تفاوت دیدگاه مؤسسات و کنشگران مختلف در مورد هنجارها، هر کدام از هنجارها در مسیر خاصی قرار می‌گیرد. گاهی آن‌ها به هنجارهای سیاسی یا اجتماعی و گاهی به هنجارهای قانونی تبدیل می‌شوند. در هر دو مورد، دامنه‌ی وسیع اعمال هنجار (حقوقی، سیاسی، اجتماعی یا ترکیبی از همه‌ی آن‌ها) در ناحیه‌ای خاص نشان‌دهنده‌ی تغییر است.

به علاوه، درک پیدایش عدالت ترمیمی به عنوان هنجاری در زنجیره‌ی درونی‌سازی به طور دقیق، سطوح کنونی اشباع و انتشار عدالت ترمیمی در قوانین موضوعه و نظارتی بین ایالت‌های مختلف و همچنین در هرکدام از ایالت‌ها را توجیه می‌کند. همچنین این مسئله علت ارجحیت دادن عدالت ترمیمی به میانجی‌گری بین قربانی- مجرم را نشان می‌دهد. بدین وسیله شرحی از وضعیت از سال ۲۰۰۸ به بعد به دست می‌آید. بر اساس داده‌های به دست آمده از تحقیق، از سال ۲۰۰۸ سرعت تصویب قوانین مربوط به عدالت ترمیمی از سرعت میانجی‌گری بین قربانی- مجرم بیشتر شده است. همچنین در مقایسه با میانجی‌گری مجرم- قربانی و گفتمان مشابه، دو برابر بیشتر در قوانین ایالتی انعکاس پیدا کرده است.

#### ۱- شرحی مختصر از نظریه‌ی عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی، تنها فهرستی از برنامه‌ای خاص یا طرح کلی آشکاری برای ایجاد تغییری منظم و سیستماتیک نیست. به گفته‌ی آمبریا<sup>۱</sup> ووس<sup>۲</sup> کووتس<sup>۳</sup>، عدالت ترمیمی ما را ملزم می‌کند به صورت کاملاً متفاوت، به وجود جرم در جوامعمان توجه، آن را درک و به آن واکنش نشان دهیم. (Umbreit And Others: ۵۱۸) عدالت ترمیمی در پی آن است که پس از ارتکاب جرم یا وارد آمدن آسیب، از طریق فرآیند تصمیم‌گیری جمعی، دوباره بین کنشگران اصلی (به عبارت دیگر، قربانی‌ها، مجرمان و جوامع تأثیر پذیرفته) تعادل ایجاد کند. بنابراین، بجای واکنش‌های تنبیهی، باید بر روی بهبود (مجرمین) تمرکز کرد. در سیستم رسیدگی به جرائم اطفال و جرائم کیفری، از طریق وارد نمودن مجرمان، قربانیان و جوامع آسیب پذیرفته به فرآیندهای اصلاح آسیب‌ها و بازسازی روابط، عدالت ترمیمی به ارتکاب جرم، واکنش‌های سازنده و مفید نشان می‌دهد. در سیستم آموزشی، عدالت ترمیمی مستلزم فاصله‌گیری فلسفی و عملی از ساز و کارهای کنترل‌کننده‌ی تنبیهی و جزایی است. بدین‌سان، می‌توان رشد فرد و جامعه را در اولویت قرار داد و از ایجاد فرهنگی سالم و بی‌خطر در مدارس حمایت نمود.

---

<sup>۱</sup>-Umbreit.

<sup>۲</sup>-Vos.

<sup>۳</sup>-Coates.

به خاطر ماهیت پیچیده و چند بُعدی‌اش، عجیب نیست که بتوان از طریق مجموعه‌ی متنوعی از سؤالات علمی، عدالت ترمیمی را بررسی کرد. با توجه به هدف خاص این مقاله (تجزیه و تحلیل تجربی عدالت ترمیمی در قوانین ایالتی) از زمان پیدایش روش‌های ترمیمی در ایالات متحده یا حتی پیش از آن، در دیگر نواحی جهان، در پی بررسی تمام منابع نبوده‌ایم. به جای آن، در این مقاله از طریق بررسی خلأیی آشکار، در پی آنیم که همچون منابع، به جنبه‌های نظری، اجتماعی، سیاسی و عملی عدالت ترمیمی توجه کنیم؛ بی‌توجهی به نقش روز افزون قانون در ایالات متحده. با این حال شرح مختصری از رگه‌های اصلی منابع مرتبط با عدالت ترمیمی می‌تواند در ابهام‌زدایی از این حوزه مفید واقع شود و چهارچوب این مقاله را مستحکم‌تر کند. به علاوه، با گذشت زمان، مجموعه‌ی متنوع نظری و تجربی ایجاد و در نتیجه، فرآیندهای درونی‌سازی قوانین تأیید شده است. به‌خصوص اینکه، به خاطر توجه سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران به ارزش‌ها، مبانی و عرف‌های عدالت ترمیمی، آن‌ها به بررسی‌های تجربی برنامه‌ها و تحقیقات موردی کنونی نگاهی اجمالی انداخته‌اند. در این برنامه‌ها و تحقیقات موردی، روش‌های نویدبخش به شکل برجسته‌ای نشان داده شده‌اند.

اولین مجموعه از سؤالات به چهارچوب نظری و فلسفی عدالت ترمیمی مربوط می‌شود. در اغلب موارد از طریق پرسش سؤال در مورد طبقه‌بندی ارتباطی عدالت ترمیمی، چنین آثاری نقشی برجسته می‌یابند و در بسترهای محلی و جهانی باید به دنبالشان گشت. به عنوان مثال، شارپ<sup>۱</sup> اینطور استدلال می‌کند که در متن *Eu Directive* ۲۰۱۲، بر اساس خط‌مشی رسیدگی به جرائم کیفری، باید نوع درجه‌بندی (معیار سنجش) قربانی شدن را تغییر داد. به خصوص اینکه، او اینطور ادعا می‌کند که به منظور پی‌بردن به قابلیت‌های عدالت ترمیمی در سیستم‌های تشکیلات قضایی، باید تأثیرات ارتباطی گسترده‌ی آسیب کیفری و سیستم رسیدگی به جرائم کیفری را بررسی نمود. (Sharpe, ۲۰۱۷: ۴۴۱-۴۵۴) همچنین، لیولین<sup>۲</sup> بر این عقیده است که باید عدالت ترمیمی را نظریه‌ی ارتباطی جامعی در مورد عدالت تصور کرد که با آسیب و تأثیرات جرائم بر روابط در همه‌ی سطوح فردی، گروهی، اجتماعی، ملی و بین‌المللی ارتباط دارد. در رابطه با پذیرش درک

---

<sup>۱</sup>-Sharpe.

<sup>۲</sup>-liewellyn.

ارتباط عدالت ترمیمی، او اینطور استدلال می‌کند؛ این مسئله دامنه‌ی عدالت را فراتر از فرآیندها یا راه‌حل‌های متفاوت سازمانی هم می‌گستراند. بدین‌سان می‌توان مطمئن شد که پس از اختلاف و درگیری، افراد همچنان پاسخگو هستند. (Liewellyn, ۲۰۱۲: ۲۹۰) از لحاظ داخلی یا بین‌المللی عجیب نیست که در اغلب موارد، در منابع، عدالت ترمیمی با سیستم‌های تنبیهی و جزایی مقایسه می‌شود.<sup>۱</sup> در نتیجه، به طور عادی، عدالت ترمیمی به عنوان مدل یا سیستم «دیگر» یا «جایگزین» تلقی می‌شود. در حقیقت، براساس ردیابی آمبریت، «عدالت جزایی» در اولین سال‌های پیدایش عدالت ترمیمی متظاهر شد تا به خصوص با توجه به مجازات شایسته‌ی مجرمان، راهکار سیستم رسیدگی به جرائم کیفری را توصیف کند. (Umbreit And Others, ۲۰۰۵: ۲۵۱)

با توجه به ماهیت سیاسی عدالت ترمیمی، برخی از دانشمندان در پی آن بوده‌اند تا دامنه‌ی عدالت ترمیمی فراتر از بسترهای عدالت هم گسترش یابد. به عنوان مثال در مقاله‌ی قبل، اینطور استدلال کردم که به‌جای ارائه‌ی پیشنهاد پاسخگویی، اصلاح آسیب‌ها یا ارزش‌ها به منظور تغییر سیستم‌ها، باید برای نجات عدالت ترمیمی، آن را درک نمود. من بر این عقیده‌ام که به عنوان روشی برای مقابله با بی‌عدالتی، به‌خصوص به منظور رهایی از ظلم و استیلاء و نیز حق آزادی بیان به صورت معنی‌دار (نه به صورت نمادین و ظاهری) باید دوباره در مورد عدالت ترمیمی، نظریه‌پردازی نمود. به عنوان یک «جنبش عدالت اجتماعی»، استفر<sup>۲</sup> و شاه<sup>۳</sup> هویت جدیدی را تعریف می‌کنند؛ نیرویی تغییردهنده که به التیام (دردها) و پاسخگویی در سطوح ساختاری جامعه توجه می‌کند. (Stauffer And Shah, ۲۰۱۸) با اتخاذ راهکاری عمل‌گرایانه، دیویس<sup>۴</sup> و اسچارر<sup>۵</sup> حقیقت نوظهور و عرف‌های میانجی‌گری و آشتی در ایالات‌متحده و همچنین امکان استفاده از عدالت ترمیمی در آینده را بررسی و بدین‌وسیله آسیب‌های نژادی را درمان می‌کنند. (Davis And

---

<sup>۱</sup> - رجوع کنید به اثر شیلی آگنهورتی و کاشی ویچ با این نام «اصلاح عدالت ترمیمی: الگویی جایگزین بجای عدالت»، L. Cuny Rev. ۳۲۳, ۳۳۵-۴۶ (۲۰۱۷)؛ ماری الن ریموند، «قانون و عدالت ترمیمی: دوست یا دشمن؟ نگاهی سیستماتیک به مسائل حقوقی در عدالت ترمیمی»، ۶۷ Drake L. Rev. ۶۷۷, ۶۷۱-۸۰ (۲۰۰۵).

<sup>۲</sup> -Stauffer.

<sup>۳</sup> -Shah.

<sup>۴</sup> -Davis.

<sup>۵</sup> -Scharrer.



۱۰۳: ۲۰۱۷) Scharrer) همچنین بر اساس استدلال هوکر<sup>۱</sup>، نه فقط برای ریشه‌کنی بی‌عدالتی‌های کنونی، بلکه در مواجهه با نتایج برجای مانده از آسیب‌های پیشین هم می‌توان از عدالت ترمیمی استفاده کرد. (Hooker, ۲۰۱۶)

از نظر لئونارد<sup>۲</sup> و کینی<sup>۳</sup>، عدالت ترمیمی نوعی قرارداد اجتماعی است؛ این قرارداد مفهوم گسترده‌تر فرآیندهای مشارکتی و مشورتی را تأیید می‌کند، اما از نظر بریث‌ویت<sup>۴</sup> و پتیت<sup>۵</sup> عدالت ترمیمی واکنش سیاسی لازمی به اعمال خودسرانه‌ی قدرت توسط دولت است. ( Braith Waite And Pettit, ۲۰۰۰: ۱۴۵-۱۵۶) در این دسته از منابع، در بستر رسیدگی به جرائم کیفری و جرائم اطفال، به طور روز افزون به تجزیه و تحلیل دقیق عدالت ترمیمی در ارتباط با چند ساختار و هویت همچون نژاد و جنسیت توجه می‌شود.

دومین مجموعه از سؤالات مطرح‌شده در این منابع، در پی درک تأثیر عملی عدالت ترمیمی در بسترهای مختلف است. در این تحقیق، دامنه‌ی وسیعی از دیدگاه‌های نظری و راهبردهای روش‌شناختی ارائه شده است. همچنین هدف اصلی این تحقیق، تعیین نتایج روش‌های ترمیمی است. اولین دسته از تحقیقات تجربی در رابطه با سیستم‌های رسیدگی به جرائم کیفری و جرائم اطفال انجام شد. پس از آن، در زمینه‌ی آموزش، تجزیه و تحلیلی انجام گرفت. با استفاده از روش‌های متنوع به منظور سنجش رضایت‌مندی قربانی، پاسخگویی و اعتیاد به ارتکاب جرم، محققین از مجموعه‌ی متنوعی از تجزیه و تحلیل‌ها بهره برده‌اند. به عنوان مثال بررسی استرانگ<sup>۶</sup> و همکارانش در مورد برنامه‌ها در ایالات متحده، استرالیا و بریتانیا نشان می‌دهد که مدل‌های ترمیمی خطر ارتکاب دوباره‌ی جرائمی همچون جرائم خشن را می‌کاهند. (Strang, ۲۰۱۵) همچنین تحقیق برادشاو<sup>۷</sup> و رزبر<sup>۸</sup> در مورد ۱۱۹۵۰ طفل از بیست و پنج محل مختلف ارائه‌دهنده‌ی خدمات بیان‌کننده‌ی آن است که تأثیر مداخلات مبتنی بر عدالت ترمیمی دو برابر بیش از تأثیر برنامه‌های

---

<sup>۱</sup>-Hooker.

<sup>۲</sup>-leonard.

<sup>۳</sup>-kenny.

<sup>۴</sup>-Braith Waite.

<sup>۵</sup>-Pettit.

<sup>۶</sup>-Strang.

<sup>۷</sup>-Bradshaw.

<sup>۸</sup>-Roseborough.

سنتی رسیدگی به جرائم است. (Bradshaw And Roseborough, ۲۰۰۵) در آبر تجزیه و فرا تحلیلی در مورد وزارت دادگستری، ویلسون<sup>۱</sup>، اولاگر<sup>۲</sup> و کیمبرل<sup>۳</sup> اشاره کردند که در مقایسه با دادگاه‌های سنتی رسیدگی‌کننده به جرائم اطفال، تمام برنامه‌ها و روش‌های مربوط به عدالت ترمیمی رفتار بزهکارانه در آینده را کاهش داد. (Wilson And Others, ۲۰۱۷)

در سیستم آموزشی، در مورد روش‌های ترمیمی مبتنی بر مدرسه، مجموعه‌ی تجربی مشابهی از آثار پدید آمده است. در مدت دو سال در دبیرستان‌های عمومی شهرها، تحقیقاتی در حوزه‌ی قوم‌نگاری انجام گرفت. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد برخی بینش‌ها تنها در مورد عدالت ترمیمی، ایمنی مدارس و سواد عاطفی‌اند. بررسی نایت<sup>۴</sup> و وادوا<sup>۵</sup> در مورد کاربرد محافل ترمیمی در واکنش به درگیری‌ها، بدرفتاری‌ها و خشونت‌های گروه‌های تبهکار نشان می‌دهد به غیر از بررسی امنیت مدارس، عدالت ترمیمی استراتژی مهمی برای آموزگاران و دانشجویان نیز است. همچنین به ایجاد اغماض در برابر ارتکاب جرم منجر می‌شود. (Knight And Wadhwa, ۲۰۱۴: ۱۱-۱۴) همچون مجموعه تحقیقات تجربی علمی در مورد عدالت ترمیمی در فرآیندهای مدرسه و رسیدگی به جرائم کیفری، جنبش قوی حمایت‌کننده‌ای هم هست که ACLU، پروژه‌ی پیشرفت، NAACP و دیگر سازمان‌های حقوق مدنی آن را هدایت می‌کنند. بدین وسیله، آن‌ها می‌توانند به‌جای روش‌ها و سیستم‌های تنبیهی و جزایی سنتی، به سیستم‌ها و روش‌های ترمیمی روی آورند. در رابطه با جنبش‌های مرتبط با عدالت و (در مقیاسی وسیع‌تر) گفت‌وگوهای مرتبط با اصلاحات، این سازمان‌های حامی تحقیقات ارزشمندی در مورد خط‌مشی انجام داده‌اند.

## ۲. هنجارآفرینی: نظریه‌ی چرخه‌ی حیات هنجار

بر اساس داده‌های ارائه شده در این مقاله، در حال حاضر با توجه به عدالت ترمیمی، هنجارهای ایالات متحده در حال تغییرند. در اثر قبلی، این طور استدلال کردم که به عنوان هنجاری جدید برای تأدیب و تنبیه در مدارس، عدالت ترمیمی به‌وجود آمده است. به عنوان هنجاری حقوقی،

<sup>۱</sup>-Wilson.

<sup>۲</sup>-Olagher.

<sup>۳</sup>-Kimbrell.

<sup>۴</sup>-Knight.

<sup>۵</sup>-Wadhwa.

عدالت ترمیمی دیگر در حاشیه نیست و به عنوان هنجاری اجتماعی و سیاسی به آن توجه می‌شود. همچنین به طور روزافزون در قوانین ایالتی تثبیت و سپس به سیستم‌های عمومی متعددی منتقل می‌گردد. منابع موثقی از چند رشته هست که چگونگی، علت و زمان تأثیرگذاری هنجارها بر نهادهای رسمی را بررسی می‌کنند. به طور کلی، در این حوزه، منابع به دو دسته‌ی تحقیقاتی تقسیم می‌شوند: (۱) تحقیقاتی که جنبه‌های متمایز چرخه‌ی حیات هنجارها را نشان می‌دهند؛ پیدایش، پذیرش یا سلسله مراتب درونی‌سازی عدالت ترمیمی و درونی‌سازی نهایی و (۲) تحقیقاتی که هدفشان درک ساز و کارهایی است که بر تغییر هنجار تأثیر می‌گذارند. می‌توان این مقاله را در اولین دسته از منابع جای داد.

پس از درک دقیق هنجارها، اکنون می‌گوییم هنجارها قواعد اجتماعی‌اند که بدون توجه به نظر دیگران، معیارها و محدودیت‌های رسمی و غیر رسمی را بر رفتار انسان‌ها تحمیل می‌کنند. میزان اهمیت هنجارها یکسان نیست، به گونه‌ای که اهمیت هنجارهای فردی از توافقات بیشتر است. به منظور تحقق اهداف این مقاله، باید گفت که اصطلاح «هنجار قانونی» نتیجه‌ی متن حقوقی موثقی به نام قوانین ایالتی (موضوعه و نظارتی) است؛ این قانون شامل مبانی و قواعد می‌شود. بنابراین به عنوان نظریه‌ای چند بعدی، نباید عدالت ترمیمی را تنها یک هنجار تلقی کرد. در حقیقت مدون‌سازی اصطلاح «عدالت ترمیمی» در قوانین ایالتی نشان می‌دهد هنجار جایگزین رسیدگی جزایی و تنبیهی به جرائم شده و وضع کنونی را در ایالات متحده پدیده آورده است.

با وجود نبود روشی دقیق یا استاندارد برای پیش‌بینی محتوای هنجارها، نظریه‌های ساختارگرایانه‌ی به دست آمده از حوزه‌ی علوم سیاسی برای شرح دینامیک ویژه‌ی تغییر هنجارها مفید است. در درجه‌ی اول، این نظریه‌ها حقوق بشر، حقوق بین‌الملل، تغییر و پیروی از هنجارها در بسترهای بین‌المللی (شبه‌ملی و ملی) را توصیف می‌کنند. با وجود این در برخی از آثار، از آن‌ها در بسترهای داخلی (ایالات متحده) استفاده می‌شود. بر اساس این نظریه‌ها، چرخه‌ی حیات هنجارها به وسیله‌ی این مراحل تعیین می‌شود. در مرحله‌ی اول (پیدایش) از طریق فرآیندهای شکل‌دهی، شرح و گسترش ایده‌ها، هنجارآفرینان هنجار جدیدی را معرفی، ایجاد و تفسیر می‌کنند. از طریق برقراری رابطه با مسائل مهم و ضروری اجتماعی، سیاسی و حقوقی یا به طور کلی، ایجاد مسائل و موضوعات جدید، هنجارآفرینان هنجاری را به طور برجسته نشان می‌دهند. هنجارآفرینان

دوست دارند نقش آفرینان دولتی همچنان از آنها حمایت کنند. سرانجام آنان هنجارها را تأیید و آن را به بخشی از برنامه‌ی کاری‌شان تبدیل می‌نمایند. در فرآیند گفتمان‌سازی باید گفت هنجارها خود به خود بوجود نمی‌آیند، بلکه نقش آفرینان فردی و گروهی به صورت فعالانه آنها را به وجود می‌آورند. پس از تثبیت ریشه‌های هنجار جدید، نقش آفرینانی که هنجار آفرین محسوب نمی‌شوند، آن را به محیط‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و حقوقی منتقل می‌کنند.

در مرحله‌ی دو (سلسله مراتب درونی‌سازی) از طریق تأیید هنجارها، هنجارهای جدید پذیرفته می‌شوند. در اغلب موارد، اظهارات کلامی و نوشتاری همچون قوانین و خط‌مشی‌های رسمی، بر هنجار تأکید می‌کنند. براساس مشاهده‌ی *سانستین*<sup>۱</sup>، سلسله مراتب درونی‌سازی هنجار فرآیندی است که از طریقش، افراد و دیگر نقش آفرینان از دولت تقاضا می‌کنند که مبانی انتزاعی را به قانون تبدیل کند. از نظر *سانستین*، درونی‌سازی هنجار قانونی نقطه شروعی کلیدی برای درونی‌سازی سیاسی و اجتماعی در آینده است. (Sunstein, ۱۹۹۹: ۳۸) بر اساس مشاهده‌ی دیویس، هنگام جستجو به دنبال ایده‌ها و راهکارها در رابطه با خط‌مشی جدید یا ارزیابی تصمیمات حقوق دانان، قانون‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان همیشه بر همه چیز احاطه داشته‌اند. به همین دلیل، تصویب قوانین در سلسله مراتب درونی‌شدن هنجارها عجیب و دور از ذهن نیست. در چرخه‌ی حیات هنجارها، قانون نقشی آشکار می‌آفریند. بدین وسیله، قوانین موضوعه یا عرفی طوری نقش آفرینی می‌کنند که معانی اجتماعی بیافرینند (به عبارت دیگر، هنجارها) بدین‌سان، رفتارها، اعمال نمادین، خط‌مشی‌ها، عرف‌ها و زبان دوباره تعریف می‌شوند. (Davis, ۲۰۰۸: ۴۲۰-۴۱۱) این فرآیندها ثابت نیستند. از طریق روابط متقابل نهادها، افراد و جامعه، آنها همیشه در حال (دوباره) تعریف شدن هستند. در دومین و سومین مرحله (یا به احتمال زیاد، هر دو) قانونی‌سازی هنجارها پیامی برای مردم دارد؛ این پیام بر نگرش‌ها در مورد عوامل مشکل‌زا و نیز هنجارهای اجتماعی ایجادشده در واکنش به آن نگرش‌ها تأثیر می‌گذارد. (Hope, ۲۰۰۹: ۱۴۳-۱۴۴)

در مرحله‌ی سوم (درونی‌سازی) هنجارها آنقدر پذیرفته می‌شوند که نقش آفرینان آنها را کاملاً برای خویش درونی می‌کنند. بدین‌سان، تقریباً به صورت خود به خود، از هنجار پیروی

---

<sup>۱</sup>-Sunstein.

می‌شود. در مورد انتقال از سلسله مراتب درونی‌سازی به درونی‌سازی هنجارها، اینطور فرضیه‌سازی شده است؛ تعداد کافی از افراد یا گروه‌ها با هنجار جدید موافقت می‌کنند. بدین وسیله، به طور گسترده همه آن را می‌پذیرند و در موردش اجماع پیدا می‌کنند. در هر مرحله دانشمندان راهبردهایی نسبتاً متفاوت را برای مفهوم‌سازی در مورد انتشار هنجارها پیشنهاد می‌کنند. با این حال تغییر سیستم‌های حقوقی و علامت‌های قوانین رسمی به طور رایج به عنوان تغییری در وضعیت هنجارها پذیرفته می‌شوند.

### ۳. روش‌ها

در این تحقیق، تجزیه و تحلیل محتوایی متن بکار گرفته شده است. در مرحله‌ی اول، از پایگاه داده‌های وستلاو<sup>۱</sup> استفاده کردم تا از طریق دسته‌های زیر، یک پایگاه داده‌ی جدید از پنجاه ایالت جمع‌آوری کنم؛ قوانین وضع‌شده، قواعد دادگاه، مقررات و تصویب قوانین پیشنهاد شده.<sup>۲</sup> اصطلاح «عدالت ترمیمی» بیش از دیگر اصطلاحات، جستجو شد. به منظور آزمایش سومین معیار سنجش درونی‌سازی، سه اصطلاح مدون‌سازی شدند: «عدالت ترمیمی»، «مجرم قربانی» و میانجی‌گری بین «مجرم-قربانی». با توجه به ارتباطشان با اولین جنبش عدالت ترمیمی و وجودش در قوانین ایالتی پیش از عدالت ترمیمی، اصطلاحات «مجرم قربانی» و «مجرم-قربانی» انتخاب شدند. بر اساس سال، داده‌ها تقسیم‌بندی شد تا معلوم شود آیا می‌توان هنگام جستجو، از دیگر اصطلاحات استفاده کرد تا هرکدام از معیارهای آزمایشی را سنجید یا نه؟ محتوای هرکدام از دسته داده‌ها تجزیه و تحلیل و به وسیله‌ی چنین شاخص‌هایی به صورت سیستم، کاربرد و شکل، رمزگذاری می‌شود. نتایج به‌دست آمده از جستجوی هر اصطلاح در مقابل دیگری تجزیه و تحلیل شد. همچنین

<sup>۱</sup>-Westlaw.

<sup>۲</sup>- پایگاه داده‌ها برای این تحقیق تنها شامل قوانین نظارتی و موضوعه می‌شود. درحالی که در جستجوهای وستلاو درمورد پنجاه ایالت تنها داده‌های اضافی وجود داشت؛ (همچون، تصمیمات و هدایت دولت و نیز، آراء قضایی) به‌خاطر کوچک بودن اندازه‌ی نمونه‌ی آزمایشی، این دسته داده‌ها جدا شدند. به غیر از وستلاو، از LexisNexis FindLaw و هرکدام از مجامع قانون‌گذاری ایالتی هم استفاده کردیم تا داده‌ها را به هم ارجاع دهیم. پس از دسته‌بندی وستلاو، بر اساس قوانین و قواعد دادگاه ایالتی و مقررات ایالتی، داده‌های گزارش‌شده در این مقاله دسته‌بندی شدند.

داده‌های وستلاو در مقابل تمام پایگاه‌های داده و تحقیقات درمورد قوانین مرتبط با عدالت ترمیمی ارجاع متقابل شد.

#### ۴. بحث

به منظور ارزیابی و توصیف تغییر هنجار، انتقال هنجار جدید به قوانین از چهار جنبه می‌تواند مفید باشد؛ اول اینکه، به عنوان شاخص‌های تغییر هنجارها، قوانین می‌توانند نقش آفرینی کنند. دوم اینکه، از طریق هنجارهای جدید، به عنوان ساز و کارهای تغییر هنجارها می‌توان آن‌ها را بررسی کرد. سوم اینکه، وجود هنجاری جدید در قانون مؤید وضعیت نهادهای هنجارآفرین است. بدین‌سان، مشروعیت هنجار افزایش می‌یابد. چهارم اینکه، در اغلب موارد، مدون‌سازی هنجارها به صورت قانون، به درونی‌سازی‌شان در فرآیندهای رسمی قانونی و افزایش احتمال پیروی از هنجار منجر می‌شود. همچنین افزایش پیروی قوانین از هنجارها می‌تواند به افزایش پذیرش اجتماعی یا سیاسی‌شان منجر شود. در بستر نظریه‌ی هنجار، انتقال (عمودی یا افقی) هنجار قانونی به بسترهای جدید حاکی از تغییر نفوذ و تأثیرش است؛ به عبارت دیگر، پس از انتقال هنجار از مکان‌های حقوقی به مکان‌های سیاسی یا اجتماعی، احتمال درونی‌شدن کاملش در دامنه‌ی متنوعی از حوزه‌های ساختاری افزایش می‌یابد. بنابراین ارزش تفسیر داده‌های گرفته‌شده از این تحقیق به تجزیه و تحلیل هنجار خاص عدالت ترمیمی در قوانین ایالتی محدود می‌شود. از این رو در سطوح خرد و کلان پدیده‌شناسی، ساز و کاری پدید می‌آید تا از طریق آن، انتقال هنجارها به قانون بررسی شود.

در اغلب موارد تحقیق در مورد درونی‌سازی قانون در محدوده‌ی تحقیقات مرتبط با فرآیندهای حقوقی فراملی قرار می‌گیرد، به گونه‌ای که نقش‌آفرینان عمومی و خصوصی با هم تعامل برقرار می‌کنند تا قواعد حقوق بین‌الملل را تفسیر، اجرا و سرانجام به منظور تصمیم‌گیری در مورد پیروی از هنجارهای حقوقی یا غیرحقوقی، قواعد حقوق بین‌الملل یا سؤالات را در تفاوت‌های احتمالی، درونی می‌کنند. دانشمندان علم حقوق نظریه‌های مرتبط با روابط بین‌الملل و علوم سیاسی را استخراج و جرح و تعدیل کرده‌اند تا چرخه‌ی حیات هنجار را آزمایش کنند، اما می‌توان گفت

آن‌ها این نظریه‌ها را درک نکرده‌اند و در عمل نتوانسته‌اند آن‌ها را به‌کار بگیرند. بیشتر این تحقیقات بر یک پیشینه‌ی سیاست محلی - جهانی، مبتنی‌اند، به گونه‌ای که دانشمندان نمی‌دانند حقوق بشر بین‌الملل چگونه در قوانین داخلی درونی می‌شود؟

در اغلب موارد دانشمندان حقوق داخلی از اثر استاد دانشگاه رشته‌ی حقوق در آمریکا به نام *هارولد هاگجیو گوه*<sup>۱</sup>، نام می‌برند. او شاخص‌های کلیدی درونی‌سازی هنجار را شناسایی کرد. در اواسط دهه‌ی ۱۹۹۰، گوه سه نوع درونی‌سازی هنجار را مطرح کرد: اجتماعی، سیاسی و حقوقی؛ چون به طور روزافزون به فرآیندهای آفرینش و پیروی از هنجارها در عرصه‌ی حقوق بشر بین‌الملل توجه شد. بر اساس استدلال او، زمانی درونی‌سازی رخ می‌دهد که از طریق انجام اعمال اجرایی، قانون‌گذاری، تفاسیر قضایی یا ترکیبی از هر سه، هنجارها در سیستم‌های حقوقی تلفیق می‌شوند. در ایالات متحده، اثر او به انجام مجموعه‌ای از تحقیقات درمورد انجمن‌های گوناگون در مورد درونی‌سازی منجر شد. دامنه‌ی آن‌ها از انجمن‌های قضایی تا جنبش‌های اجتماعی و سیاست‌گذاری در عرصه‌ی سامان‌بخشی داخلی در تغییر بود. با این حال، گوه و دیگران نخواسته‌اند به طور فعال در مورد درونی‌سازی در قانون ایالتی ابهام‌زدایی و آن را متمایز کنند. (Koh, ۱۹۹۸: ۶۴۲) این مسئله به ایجاد خلأیی در منابع موجود منجر شده است. به جای ایجاد راهکاری دقیق‌تر برای سنجش درونی‌سازی قانون، معیار کنونی، ساز و کاری دو بخشی را پیشنهاد می‌کند. وجود هنجار در قانون بدین معنی است که قانون درونی‌سازی می‌شود، درحالی که نبود هنجار در قانون بیانگر آن است که هنوز درونی‌سازی رخ نداده است.

همانطور که از طریق درونی‌سازی قانون هم اثبات می‌شود، برای درک تغییر هنجارها، چهارچوب کاملی وجود ندارد. به عنوان مثال، پیروی از این برنامه بدین معنی است: وجود عدالت ترمیمی در قانون در سال ۱۹۹۰ حاکی از درونی‌سازی است. (حداقل در آن حوزه‌های قضایی) و بنابراین، این مسئله حاکی از تغییر هنجارهاست. به شکلی بحث برانگیز دو قانون بیان‌کننده‌ی حمایت از اولین هنجارآفرینان در حوزه‌ی عدالت ترمیمی است. از این رو، می‌توان این طور نتیجه‌گیری کرد که به طور بنیادی، هنجارهای قانونی تغییر کرده بوده است. با استفاده از داده‌های

---

<sup>۱</sup>-Harold Hogju Koh.

این تحقیق، به مثالی جدیدتر و دقیق‌تر توجه نماید. کاملاً واضح به نظر می‌رسد که ارزیابی درونی‌سازی قانون در ایالت ویونینگ (ایالتی که در آن، دو قانون هست که در آن‌ها، اصطلاح عدالت ترمیمی بکار گرفته شده است) و ایالت کالیفرنیا (ایالتی که در آن، بیست و یک قانون هست که اصطلاح عدالت ترمیمی در آن‌ها بکارگرفته شده است) از هم متمایز هستند. بنابراین الگوی کنونی نمی‌تواند به یک نظریه تبدیل شود و حتی نمی‌تواند ناهمگونی درونی‌سازی قانون و فرآیند تغییر هنجارها در سطوح خرد و کلان را شرح دهد که با آن ارتباط دارد.

به منظور بررسی این مسئله، راهکار جدیدی برای سنجش درونی‌سازی قانون پیشنهاد می‌کنم. بدین‌سان شاید در مورد پیدایش هنجارهای جدید در قوانین ابهام‌زدایی کنم. به عنوان یک روش، این پیشنهاد سه جنبه دارد. این سه جنبه حول محور تجزیه تحلیلی تجربی شکل گرفته تا بتوان محتوای قوانین مختلف را بررسی کرد. اول اینکه، براساس میزان اشباع، می‌توان درونی‌سازی قانون را تحلیل کرد. این معیار سنجش پیشنهاد شده دارای رابطه‌ی منطقی آشکاری است؛ هر چه تعداد دفعات ورود هنجاری جدید یا متفاوت به قوانین بیشتر باشد، بیشتر احتمال دارد که درونی‌سازی کامل یا نسبی رخ داده باشد. به سه روش، می‌توان اشباع را تحلیل کرد: (۱) تعداد کلی دفعات وجود یک هنجار در چند جا (۲) شدت نفوذ؛ به عبارت دیگر، میزان وجود هنجار در یک مکان و (۳) تغییر به مرور زمان از سطوح پایین تا بالای وجود هنجار در سطح فردی یا کلی.<sup>۱</sup>

دوم اینکه، از طریق آزمایش انتشار هنجار جدید در قوانین حاکم بر سیستم‌های عمومی مختلف، می‌توان درونی‌سازی قانون را سنجید. تحقیقات پیشین نشان داده که به محض پذیرفته شدن هنجارها، آن‌ها در بین افراد، شبکه‌ها، سازمان‌ها، سیستم‌ها و کنشگران منتشر می‌شوند. بنابراین در سیستم‌های مختلف، بررسی انتشار هنجار در قوانین می‌تواند به شکلی دقیق‌تر، مراحل مختلف چرخه‌ی حیات هنجارها را تعیین کند. به علاوه نحوه‌ی انتشار می‌تواند روندهای ظریف تغییر

---

<sup>۱</sup> - به عنوان یک معیار، فراتر از بستر سطح ایالتی یا داخلی (ایالات متحده)، می‌توان اشباع را سنجید. به عنوان مثال، در قوانین فدرال، می‌توان اشباع (هنجار) را به صورت کلی (سطح کلان) و نیز در هرکدام از حوزه‌های (سطح خرد) قانون فدرال، میزان نقش‌آفرینی‌اش را سنجید. همچنین، در بسترهای بین‌المللی، می‌توان در حقوق بین‌الملل یا در سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی و فراملی، اشباع را سنجید.



هنجارها را آنقدر برجسته نشان دهد که شاید امکان انجام چنین کاری براساس راهکار نظری کنونی، وجود نداشته باشد.

سوم اینکه، از طریق ارزیابی تغییر علاقه‌ی مردم از هنجاری مشابه به هنجاری جدید، می‌توان به طور قیاسی، درونی‌سازی قوانین را بررسی کرد. در این مورد، هنجار جدید جای هنجار پیشین را می‌گیرد یا اهمیتش در مقایسه با قبلی، بیشتر می‌شود. حتی با وجود اینکه شاید در نگاه اول، شبیه به هم باشند، اما از لحاظ محتوا میزان اهمیت یا یک ویژگی دیگر، هنجارها با هم فرق دارند. به منظور ارزیابی، می‌توان هنجاری را از اولین بارِ مدون‌سازی شدنش در قوانین ایالتی تا زمانی ردیابی کرد که در نیمی یا همه‌ی حوزه‌های قضایی مشاهده می‌شود. همچنین می‌توان تغییرات مشاهده شده در یک چشم‌انداز موقت دیگر را ردیابی کرد. در هر دو حالت، تغییر میزان اشباع شدن هنجار (از کم تا زیاد یا به صورت معکوس) به شناسایی تغییرات در فرآیندهای تغییر هنجارها کمک می‌کند.

برای درونی‌سازی قانون، شاید شاخص‌های دیگری هم وجود داشته باشد، با این حال این سه معیار سنجش تجربی کلیدی، چهارچوبی مهم (که هنوز بررسی نشده) را برای مطالعه‌ی تغییر هنجارها ایجاد می‌کنند. به طور کلی به منظور بررسی درونی‌سازی قانون، رسته‌شناسی جدیدی به دست می‌آید، اما هدفش پیشنهاد نظریه‌ی جامعی برای ارزیابی پیدایش هنجار نیست. همچنین نباید تصور کرد که وجود هر سه تایشان برای درونی‌سازی قانون ضروری است. در عوض، آن‌ها حاکی از وقوع مداخله‌ای در رساله‌های علمی‌اند. هدف این رساله‌ها ابهام‌زدایی از ادعاها و مطالبات در مورد درونی‌سازی قانون به عنوان بخشی از چرخه‌ی حیات هنجار است. سرانجام، این معیارهای سنجش در پی آزمایش منحصر به فرد بودن عدالت ترمیمی به عنوان هنجاری در قوانین ایالتی نیستند؛ به عبارت دیگر نه جایگزینی عدالت ترمیمی با هنجارهای دیگری همچون سیستم‌ها یا فرآیندهای تنبیهی یا جزایی، بلکه پیدایش و نقش‌آفرینی روزافزون عدالت ترمیمی در قوانین ایالتی به عنوان نماد تغییر هنجار.

الف. نوع ۱: اشباع هنجار جدید قانونی

۱. عدالت ترمیمی در ایالت‌های مختلف

یکی از روش‌های آزمایش درونی‌سازی قانون، بررسی پذیرش هنجار در سطح کلان است. بسته به نوع درونی‌سازی قانونی که باید ارزیابی شود، شاید به روش‌های مختلف، ارزیابی پذیرش هنجار در سطح کلان انجام گیرد؛ به عبارت دیگر، حقوق موضوعه، کامن‌لا (قوانین عرفی)، نقش‌آفرینان قضایی و غیره. بدون در نظر گرفتن گفتمان خاص درونی‌سازی قانون، در ارتباط با مراحل مختلف چرخه‌ی حیات هنجارها، این معیار می‌تواند در شناسایی تغییر هنجار مشاهده‌شده مفید واقع شود. به عنوان مثال، شاید مشاهدات مرتبط با پذیرش در سطح کلان به‌جای چهارچوب دویبخشی در منابع، به طور دقیق‌تری مشخص کند چه زمانی نقطه‌ی اوج به وجود آمده است.

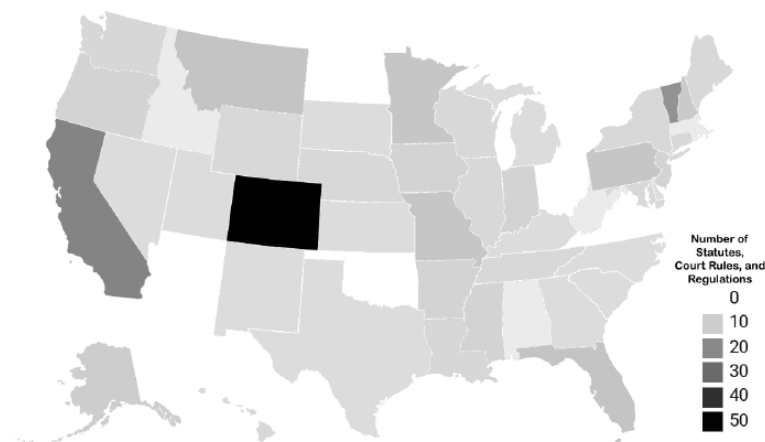
به منظور بررسی اشباع عدالت ترمیمی (در حوزه‌های مختلف قضایی) در قوانین موضوعه و نظارتی، از هر پنجاه ایالت، داده‌هایی جمع‌آوری و رمزگذاری شد. براساس شکل‌های ۱ تا ۳، در حال حاضر، چهل و پنج ایالت اصطلاح عدالت ترمیمی را در قوانین ایالتی‌شان به صورت مدون در آورده‌اند. به طور کلی، عدالت ترمیمی در ۲۲۹ قانون، قاعده‌ی دادگاه و مقررات به چشم می‌خورد. در شکل یک، به شکل دقیق، ارقام کلی ترکیبی نشان داده شده که بر اساس ایالت، توزیع شده‌اند. دامنه‌ی شیب رنگی روی ایالت‌ها از عدم‌حضور در قوانین ایالتی (سفید) تا بیش از پنجاه ماده‌ی قانونی، قواعد و مقررات مرتبط با دادگاه (سیاه) در تغییر است. در بین ایالت‌ها، شاید شکل و کاربرد عدالت ترمیمی از تغییر مسیر اطفال تا دوران پسا محکومیت بزرگسالان و ورود مجدد تا تادیب و تنبیه در مدرسه در تغییر باشد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها در مورد رابطه یا قرار داشتن در سیستمی حقوقی (که در زیر، در موردش بحث شده) روند غالب استفاده از آن‌ها در فرآیندهای دادرسی به جرائم اطفال و جرائم کیفری را نشان می‌دهد. به عنوان مثال در سی و پنج ایالت، کاربرد عدالت ترمیمی در فرآیندهای دادرسی اطفال و رسیدگی به جرائم کیفری به صورت مدون در آمده است. به طور کلی، تغییر شکل و کاربرد (به عبارت دیگر تغییر مسیر، اعلام محکومیت، دوران پسا محکومیت و یا در مدارس) و میزان حمایت عدالت ترمیمی (به عبارت دیگر، حمایت ایدئولوژیکی در مقابل حمایت ساختاری) بیان‌کننده‌ی تغییراتی پیش‌بینی‌شده بر اساس دینامیک سیاسی و اجتماعی در سطح ایالتی است. بر اساس داده‌ها، به صورت منطقه‌ای یا سیاسی، هیچ نوع روال قابل‌تشخیصی در الگوهای انتشار عدالت ترمیمی وجود ندارد.

در رابطه با به‌کارگیری معیار سنجش پیشنهادی (اشباع) درونی‌سازی قانون در مورد داده‌ها، در سطح کلان هنجار قانونی عدالت ترمیمی محقق شده و حتی شاید از نقطه‌ی اوج بین فرآیند درونی‌سازی قانون و درونی‌شدن هم عبور کرده باشد. وجود عدالت ترمیمی در قوانین ایالتی نود درصد از ایالت‌ها حاکی از مشروعیت روزافزونی به عنوان هنجاری جدید و پذیرش در نهادهای حقوقی رسمی است. در سطح کلان، داده‌ها نمی‌توانند به طور کامل، درونی‌سازی اجتماعی را شرح دهند، اما آن‌ها به طور کامل‌تر جو کنونی سیاسی و شبه‌ملی را نشان می‌دهند. به منظور پاسخ به سؤالات آتی در موضوعات مختلفی همچون نقش دول ایالتی در تأثیرگذاری بر درونی‌سازی قانون در سطح ملی و تغییر خط‌مشی، این مسئله مفید است. در ساختار درونی‌سازی قانون، ایجاد چنین شفافیتی ممکن نیست.

#### شکل ۱: قوانین عدالت ترمیمی، قواعد دادگاه و مقررات

دامنه‌ی شیب رنگی روی ایالت‌ها از عدم‌حضور در قوانین ایالتی (سفید) تا بیش از پنجاه ماده‌ی قانونی، قواعد دادگاه و مقررات در تغییر است (سیاه).



تعداد قوانین، قواعد دادگاه و مقررات

با وجود نهادینه شدن مکرر عدالت ترمیمی درون یا در کنار فرآیندهای قانونی رسمی در سیستم‌های دادرسی به جرائم کیفری و جرائم اطفال، نبود قواعد دادگاه، خط مشی‌های اداری یا مفاد قانونی مرتبط با محرمانه نگه داشتن یا قبول اظهارات متهم، پیش یا در حین اجرای عدالت ترمیمی، کاملاً مشهود است. بدین سان شاید شواهد برگرفته از فرآیندهای عدالت ترمیمی در اختیار عده‌ای خاص قرارگیرد یا نگیرد و بدین وسیله بازیگران این حوزه بتوانند از چندین عامل حمایت‌کننده استفاده کنند. به عنوان مثال، در *آلاباما*، نه تنها برای شرکت در برنامه‌های عدالت ترمیمی پیش از محاکمه هیچ نوع حمایتی در مورد محرمانه نگه داشتن اظهارات متهم وجود ندارد، بلکه بر اساس مجموعه قوانین ایالتی، متهم باید اظهاراتش را به صورت مکتوب درج نماید، به گونه‌ای که مسئولیت ارتکاب جرمش را بپذیرد. همچنین در همه‌ی جلسات رسیدگی، اظهارات مکتوبش باید قابل قبول باشد.

به خاطر نبود عوامل حمایت‌کننده‌ی قانونی مدون در سطح ایالتی، وکلا در چند حوزه‌ی قضایی خواهان انجام اقدام فوری برای حل این مسئله شده‌اند؛ اتکا به استفاده از تفاهم‌نامه‌ها (MOUها) همراه با مقامات دادستانی محل؛ به خصوص آنکه در مورد برنامه‌های عدالت ترمیمی، با دادستان هماهنگی صورت می‌گیرد، به گونه‌ای که دادستان می‌پذیرد در پرونده‌ی کیفری معلق یا پرونده‌ی کیفری که شاید در آینده مطرح شود، از اظهارات مطرح شده برای فرآیند عدالت ترمیمی یا در حین آن، استفاده نکند. از لحاظ اخلاقی و در ارتباط با قانون اساسی، این راهکار خاص در رابطه با محرمانه نگه داشتن اظهارات متهم، نگرانی‌هایی را ایجاد می‌کند.

در صورت نبود عوامل حمایت‌کننده‌ی قانونی، توافقنامه‌های مبتنی بر یادداشت تفاهم یا مصونیت و امتیاز ویژه از دیگر فرآیندهای حل اختلاف، شاید فرآیندهای عدالت ترمیمی بر فرآیندهای رسمی تنبیهی تأثیر منفی بگذارند یا اینکه اگر معلوم شود که فرآیند ترمیمی ناکافی، ناکامل یا ناقص است، فرآیندهای مدنی یا تنبیهی جدید آغاز شود. بنابراین، با وجود اینکه ارزش‌ها و اهداف عدالت ترمیمی و تنبیهی کاملاً با هم متفاوتند، همچون رد دیدگاه رابطه‌ی منطقی جرم، حمایت رسمی قانونی کنونی از فرآیندهای ترمیمی نشان می‌دهد عدالت ترمیمی به طور کامل، از راهکارهای جزایی جدا نیست. (Coker, ۲۰۱۶: ۲۰۲-۲۰۳) این مسئله نشان می‌دهد مجموعه‌ی

مهمی از مسائل حقوقی هست که به اندازه‌ی کافی، به آن‌ها توجه نشده و حقوقدانان و وکلای مدافع باید به آن‌ها توجه کنند.

## ۲. عدالت ترمیمی در هر کدام از ایالت‌ها

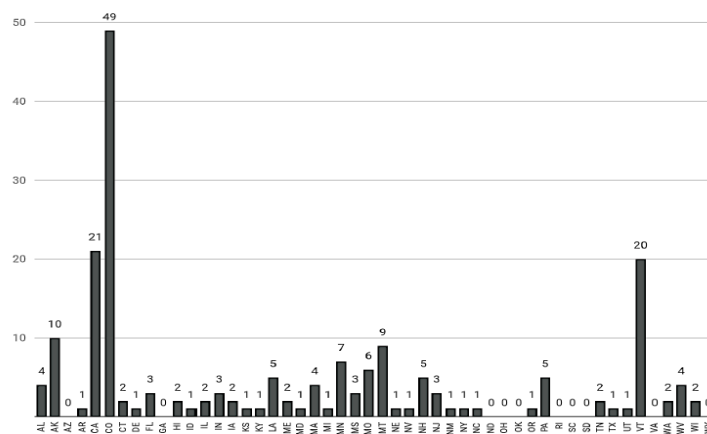
دومین معیار سنجش احتمالی درونی‌سازی قانون اشباع در سطح خُرد است. هدف از استفاده‌ی تکمیلی از معیارهای سنجش در سطوح خرد و کلان به منظور درک درونی‌سازی قانون ایجاد عمق و بینش بیشتر در فرآیندهای متنوع تغییر هنجارها در سطوح مختلف است.<sup>۱</sup> به عنوان مثال، یک راهکار روش‌شناختی ترکیبی را تجسم کنید. این راهکار تجزیه و تحلیل محتوا در سطح خرد در مورد قوانین موضوعه و یا نظارتی را با ارزیابی کیفی در مورد شرایط اجتماعی یا سیاسی تلفیق می‌کند. این مسئله می‌تواند در شناسایی وجود هم‌ریختی قانونی یا ساختاری بین نقش‌آفرینان، قوانین یا خط‌مشی‌ها مفید باشد. بر اساس منابع جامعه‌شناسی در مورد پدیده‌ی هم‌ریختی، یکی از ساز و کارهای منجر شونده به تغییر در ایالت‌ها تقلیدِ نهادهای هنجارآفرین همچون مجامع قانون‌گذاری ایالتی است. بدین وسیله آن‌ها می‌توانند به طور هدفمند، خودشان را برای دیگر نهادهای مشابه، به یک الگو تبدیل کنند. (Grandos, ۲۰۰۵: ۸۸۳-۸۸۵) باتوجه به داده‌های ارائه شده در این پژوهش، تحقیق در مورد هم‌ریختی بیان‌کننده‌ی وجود حوزه‌ای مناسب برای انجام تحقیقات نظری یا تجربی است. در چنین تحقیق‌هایی، می‌توان وجود یا نبود الگوهای خاص بین ایالت‌ها برای بررسی هم‌ریختی را مشخص و همچنین معلوم کرد آیا این الگوها نتیجه‌ی فشارهای داخلی یا خارجی به صورت متقاعدسازی، فرهنگ‌پذیری یا اغوا و تحریک مادی است یا نه؟ بدین وسیله منابع به جای ادعاها و مطالبات مرتبط با هنجارها، به ادعاهای تجربی توجه خواهند کرد؛ همچنین، شاید بتوانند شاخص‌های کمی و کیفی انتشار یک هنجار قانونی خاص را شناسایی کنند.

---

<sup>۱</sup> - تجزیه و تحلیل در سطح خرد هم می‌تواند به سؤالات بی پاسخ در مورد تغییر متن قوانین پاسخ دهد. در این قوانین، اصطلاح عدالت ترمیمی حذف گردید؛ به عبارت دیگر، نسخ یا اصلاح شد. به عنوان مثال، آیا هدف از نسخ یا اصلاح مجموعه‌ای از قوانین، حذف اصطلاح عدالت ترمیمی (و در نتیجه، تغییر در پذیرش هنجار عدالت ترمیمی) و یا توجه به دیگر بخش‌های مجموعه قوانین بود که رأی‌دهندگان دیگر نمی‌توانستند آن را بپذیرند و یا مجمع قانون‌گذاری ایالتی از عدالت ترمیمی متمایز نبود؟

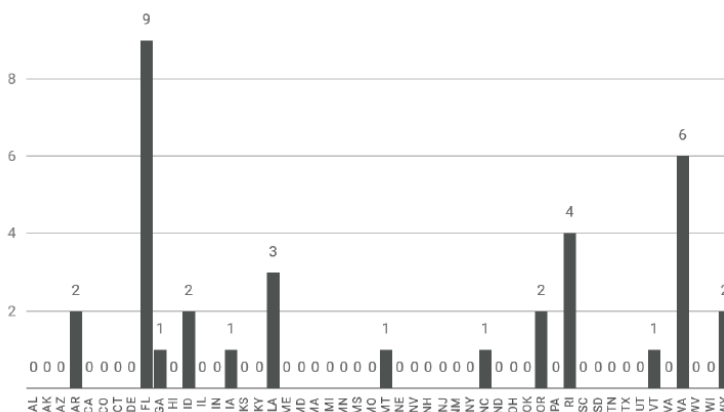
اگر در رابطه با پایگاه داده در سطح خرد، از راهکاری استفاده شود، تصویری دقیق‌تر از عدالت ترمیمی به صورت هنجار قانونی به دست می‌آید. در تصویر دو، توزیع قوانین و مقررات در سطح ایالتی و در تصویر سه، توزیع مقررات در سطح ایالتی ترسیم شده‌اند.<sup>۱</sup> عجیب نیست که سطوح گوناگون درونی‌سازی و اشباع هنجار عدالت ترمیمی در ایالت‌ها مشاهده می‌شود. به عنوان مثال در برخی از ایالت‌ها، عدالت ترمیمی در قوانین و قواعد دادگاه‌ها بیش از مقررات مشاهده می‌شود؛ مثلاً می‌توان به کالیفرنیا اشاره کرد. در دیگر ایالت‌ها (همچون فلوریدا) قضیه بر عکس است. به خاطر وجود دامنه‌ی وسیعی از متغیرهای مرتبط با هرکدام از فرآیندهای قانون‌گذاری در هر ایالت، براساس داده‌ها، به دشواری می‌توان مشخص کرد آیا مدون‌سازی در قوانین، قواعد دادگاه یا مقررات می‌تواند عامل مهمی را نشان دهد که تنها مربوط به انتقال عدالت ترمیمی به قانون باشد یا نه؟ یا اینکه این مسئله تنها بیان‌کننده‌ی علایق و اولویت‌هایی است که با هم بی‌ارتباطند؟ به خصوص علاقه‌مندان به حقوق عمومی و حقوق نظارتی، در آینده باید در این زمینه مطالعه کنند.

شکل دو: عدالت ترمیمی در قوانین و قواعد دادگاه‌ها



<sup>۱</sup> - دسته‌بندی‌های گروه‌بندی‌شده (قوانین و قواعد دادگاه‌ها) و (مقررات) جدا انتخاب شدند تا با اعلام گزارش پایگاه داده‌ی وستلاو مطابقت یابند.

شکل سه: عدالت کیفری در مقررات (توزیع در سطح ایالتی)



بدون توجه به تفاوت‌ها در تعداد، ترکیب هر سه دسته (قوانین، قواعد دادگاه‌ها و مقررات) در هرکدام از ایالت‌ها در مقایسه با تجزیه و تحلیل کلی در سطح کلان، تصویری دقیق‌تر از درونی‌سازی عدالت ترمیمی ارائه می‌کند. در کلرادو، بیشترین میزان اشباع ترکیبی در سطح ایالتی (چهل و نه قانون، قاعده و مقررات) مشاهده می‌شود. سپس، ورمونت با بیست و دو و کالیفرنیا با بیست و یک قانون، قاعده و مقررات در رده‌های بعدی قرار می‌گیرند.

مثل معیار سنجش در سطح کلان، در مرحله‌ی اول، از لحاظ الگوهایی همچون چهارچوب اجرا، نوبت یا چینش و کاربرد و ساز و کار ساختاری (همچون تأمین بودجه یا ترکیب هیئت‌های رسیدگی‌کننده) در مورد هرکدام از ایالات‌ها، تجزیه و تحلیلی انجام دادم.<sup>۱</sup> شاید بتوان تفاوت‌های بین ایالت‌ها را ناشی از تنوع شاخص‌هایی همچون حضور هنجارآفرینان در مجامع قانون‌گذاری ایالتی، نقش‌آفرینان و وکلا در جامعه‌ی مدنی، دادخواهی، اندازه‌ی ایالت، جمعیت‌شناسی یا انتخاب خط‌مشی‌هایی دانست که با ارزش‌ها، مبانی یا روش‌های اجرای عدالت ترمیمی همسو هستند. این-ها و دیگر شاخص‌ها را باید بیش از پیش، بررسی کرد. بدین وسیله، می‌توان از شرایطی ابهام‌زدایی

<sup>۱</sup> - به شکل‌های پنج و شش رجوع کنید.

نمود که در آن‌ها، عدالت ترمیمی به عنوان هنجار قانونی جدیدی به وجود آمده است؛ به عبارت دیگر قانون به هنگام اجرا<sup>۱</sup> راهبرد روش‌شناختی این تحقیق و داده‌های بدست‌آمده نمی‌تواند پذیرش هنجار بومی شده در هر کدام از ایالت‌ها را توجیه کند. با این حال می‌تواند به نقش‌آفرینان در جامعه‌ی مدنی، وکلا و سیاست‌گذاران حوزه‌هایی را نشان دهد که هنگام قانون‌گذاری باید به آن‌ها توجه شود.

بررسی روندهای موجود در تجزیه و تحلیل در سطح کلان نشان می‌دهد که (از لحاظ شکل، محتوا و) رابطه با فرآیندهای رسیدگی به جرائم کیفری و جرائم اطفال، آن‌ها ثابت باقی می‌مانند. در رابطه با این یافته باید به دو نکته اشاره کرد. اول اینکه، تعداد ایالت‌هایی که باید برایشان چنین تجزیه و تحلیلی انجام گیرد از تعداد ایالت‌هایی کمتر است که در آن‌ها، عدالت ترمیمی درونی شده است. چون برخی از ایالت‌ها در مقایسه با بقیه، کمتر اقدام به درونی‌سازی عدالت ترمیمی می‌کنند، نمی‌توان در مورد انتقال یا ارتباط سیستم ادعایی نمود. بنابراین شاید روندی که با فرآیندهای رسیدگی به جرائم کیفری و جرائم اطفال در سطح خرد، ارتباط بیشتری داشته باشد در مقایسه با سطح کلان، کارآمدی‌اش کمتر باشد. دوم اینکه، بر اساس شکل شش، تعداد روزافزونی از ایالت‌ها عدالت ترمیمی را در سیستم آموزشی‌شان به صورت مدون درآورده‌اند. شاید با به اجراء درآمدن خط‌مشی‌ها و روش‌های محلی عدالت ترمیمی مبتنی بر مدرسه، این روند در قانون‌گذاری سرعت بیشتری بگیرد. به گفته‌ی «کنسرسیوم مذاکره و حل اختلافات» در سال ۲۰۱۷، بیست و دو لایحه معرفی شدند که در آن‌ها، به عدالت ترمیمی مبتنی بر مدرسه توجه می‌شد. (Programs And Pesearch, Ga. State Univ. College Of Law) بنابراین شاید در آینده‌ای نزدیک، در سطوح خرد و کلان، از روند کنونی ارتباط زیاد با فرآیندهای رسیدگی به جرائم کیفری و جرائم اطفال فاصله بگیریم. در فرآیندهای هنجارسازی، شاید چنین پدیده‌ای با تغییرات احتمالی همسو باشد.

---

<sup>۱</sup> - به عنوان مثال، متغیرهای مستقلی همچون جمعیت‌شناسی نژادی (جمعیت ایالت)، جنسیت (قانون‌گذاران)، میزان درآمد (مردم) ایالت، تعداد افراد به زندان افتاده، انتخاب خط‌مشی صحیح توسط قربانی، میزان ارتکاب جرم و انتخاب خط‌مشی‌های حزبی به عنوان عوامل پیش‌بینی‌کننده‌ی احتمالی حمایت قانونی از عدالت ترمیمی، شناسایی شده‌اند.



### ۳. تغییر در میزان اشباع در گذر زمان

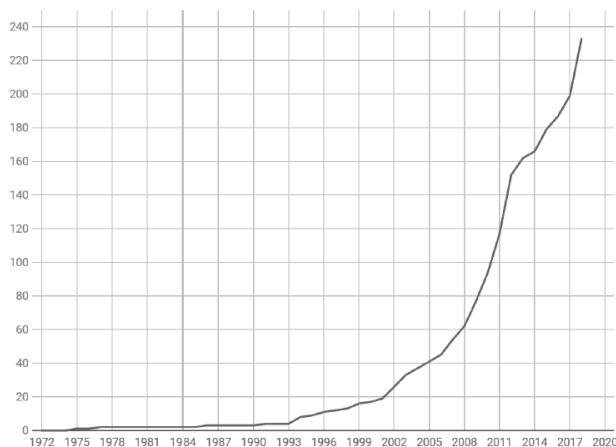
به غیر از تجزیه و تحلیل مکان‌های خاص درونی‌سازی قانون در سطح کلان، به منظور بیان هنجارها، یکی دیگر از معیارهای سنجش احتمالی که می‌توان از آن نام برد تغییر با گذر زمان است. در این تحلیل موقتی، نمایی متمایز از درونی‌سازی قانون ارائه می‌شود. بدین وسیله هنگام انجام تحقیق، می‌توان الگوهای خاص انتشار هنجارها را پیش‌بینی کرد. از این طریق، می‌توان بازه‌های زمانی کلیدی تغییر هنجارها را نشان داد یا در مورد دیگر گونه‌های واکنش قوانین و نهادهای قانونی به هر کدام از پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی ابهام‌زدایی کرد. هر کدام از این حوزه‌ها، در مورد هنجارها، سؤالات گوناگونی را به ذهن متبادر می‌کند؛ همچون نوع، مسیر، قدرت و پایداری نهادهای مروج هنجارها. تحقیقات تأثیر پذیرفته از این راهکار ساخت و اصلاح مدلی منسجم‌تر در مورد درونی‌سازی قانون را ممکن می‌سازد.

به کارگیری این راهکار در مورد درونی‌سازی عدالت ترمیمی در ایالات متحده و تجزیه و تحلیل داده‌های ترکیبی در سطح ایالتی بیان‌کننده‌ی وجود روند روبه رشد هنجار است. جدیدترین کاربرد عدالت ترمیمی در قوانین موضوعه در سال ۱۹۷۵ رخ داد. از آن پس تاکنون، کاربردش در قوانین ایالتی به طور یکنواخت، افزایش یافته است. به عنوان مثال در سال ۲۰۰۱، بیست و یک قانون ایالتی وجود داشت که در آن‌ها، عدالت ترمیمی به صورت رسمی درآمده بود. در سال‌های ۲۰۰۹، ۲۰۱۵ و ۲۰۱۹، به ترتیب، تعدادشان به ۷۹، ۱۷۸ و ۲۲۹ عدد افزایش یافت. در تصویر ۴، این تغییر در گذر زمان، نشان داده شده است.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> - به شکل چهار رجوع کنید. در این شکل، داده‌ها در فواصل زمانی چهارساله، نشان داده شده‌اند.

شکل ۴: عدالت ترمیمی در قوانین ایالتی (۱۹۷۵ تا ۲۰۱۹)



به جای مشاهده‌ی انتشار عدالت ترمیمی در قوانین ایالتی از طریق مسیری طی شده، می‌توان داده‌های نشان داده شده در تصویر چهار را به صورت سه دوره‌ی خاص تغییر هنجار در گذر زمان، ترسیم نمود. دوره‌ی اول بین سال‌های ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۱ رخ داد. در این دوران، درونی‌سازی عدالت ترمیمی به صورت مجموعه‌ای از قوانین بود، به گونه‌ای که، این هنجار ابتدا به یک بند و سپس به بیست و یک بند ایالتی و سرانجام به دوازده ایالت مختلف راه یافت. دوره‌ی دوم از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۸ رخ داد. در آن زمان، حساسیت به هنجار قانونی جدید افزایش یافت. این مسئله شصت و دو دفعه در نوزده ایالت مختلف رخ داد. در یک دوره‌ی زمانی ( ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۹ ) تغییر شدیدی در این هنجار روی داد. از سال ۲۰۰۸، اشباع عدالت ترمیمی در قوانین ایالتی به سرعت، افزایش یافته و به وضعیت کنونی منجر شده است.

تجزیه و تحلیل فرآیند درونی‌سازی عدالت ترمیمی در دوره‌ی زمانی سه از فرمول خاصی پیروی نمی‌کند، بلکه نشان‌دهنده‌ی گسترش این هنجار در ایالت‌ها و سیستم‌های مختلف است. اگر در دوره‌ی سوم، تفاوت‌های ظریف و دقیق‌تری پیدا کنیم، درمی‌یابیم از لحاظ تجربی، مهم‌ترین تغییر و تحول در پذیرش عدالت ترمیمی بود که بین سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۹ روی داد. در این

مدت پنج ساله، تعداد قوانین، قواعد دادگاه و مقررات مرتبط با عدالت ترمیمی از ۱۵۹ (۲۰۱۳) به ۲۲۹ (۲۰۱۹) عدد افزایش یافت. ایالت‌هایی که به این افزایش کمک کردند عبارت بودند از: نیومکزیکو، نیویورک، ایووا، نیوهامپشایر، پنسیلوانیا، جزیره‌ی راد، هاوایی، آیداهو، کانساس، واشنگتن، ویسکانسین، کنتاکی، مری‌لند، تگزاس، ویرجینیای غربی، ماساچوست، کانکتیکات، میشیگان و تنسی.

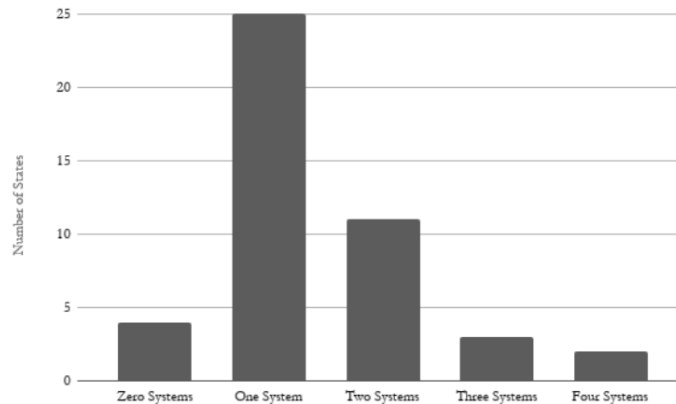
تغییر در قانونی‌سازی عدالت ترمیمی از دهه‌ی ۲۰۰۰ و به‌خصوص از سال ۲۰۰۸، نه تنها از لحاظ مدل‌های نظری تغییر هنجار، بلکه از لحاظ اجرای قانون، جنبش‌های حمایتی و روش‌ها، فرآیندها و ارزش‌های بومی‌شده هم بسیار مهم است. این مسئله به مطرح شدن سؤالات تحقیقاتی آشکاری در مورد شرایط عمومی و خصوصی خاصی منجر می‌شود. این شرایط به رشد قابل توجه قانونی‌سازی عدالت ترمیمی در قوانین ایالتی و نیز سیستم‌های عمومی منجر می‌گردد. همچنین دانشمندان را به چالش می‌کشد تا بستر خاص اجتماعی و سیاسی سال ۲۰۰۸ را بررسی کنند. شاید این مسئله می‌توانست هر چه بیشتر به پذیرش عدالت ترمیمی منجر گردد. از نظر من، یکی از دلایل افزایش پذیرش عدالت ترمیمی در سال ۲۰۰۸ بحران و رکود اقتصادی بود. در این دوران، قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران ایالتی به طور روزافزون به استراتژی‌ها و مداخلاتی توجه کردند که هدفشان کنترل هزینه‌های اقتصادی قابل توجه مرتبط با سیستم عدالت کیفری بود. به عنوان واکنشی اصلاحی به نابرابری و کاهش دسترسی به آموزش و پیشرفت بر اساس شاخص‌های هویتی همچون نژاد، جنسیت، سوگیری جنسی، وضعیت اجتماعی-اقتصادی و نیز معلولیت، دومین فرضیه، علاقه‌مندی بیش از پیش نقش‌آفرینان و سیاست‌گذاران جامعه‌ی مدنی (ایالتی و فدرال) به اجرای عدالت ترمیمی بود. از اوایل دهه‌ی ۲۰۰۰، اصلاح‌طلبان مدارس و حامیان حقوق مدنی در پی آن بوده‌اند تا پیامدهای اجتماعی، سیاسی و حقوقی خط‌مشی‌های تأدیب و تنبیه در مدارس را به چالش بکشند. این پیامدها ریشه در واکنش‌های تنبیهی و محروم‌کننده در رفتار دانش‌آموزان دارد. اثر آن‌ها از عدالت ترمیمی در خط‌مشی‌ها و قوانین ایالتی و ملی ابهام‌زدایی، آن را با جامعه سازگار و سپس، نهادینه کرد. این دو تنها دو تا از چند توجیه احتمالی برای بسترهای اجتماعی، فرهنگی و حقوقی‌اند که رشد سریع و افزایش مشروعیت عدالت ترمیمی در قوانین ایالتی را تسهیل کردند.

## نوع دو: انتشار هنجاری قانونی بین سیستم‌ها

در بخش قبل، به منظور تشریح تفاوت‌ها و روندها در درونی‌سازی قانون، پانزده راهکار مختلف سنجش اشباع را شرح دادیم و بررسی کردیم. روش دیگری که می‌تواند در کمان از درونی‌سازی قانون را افزایش دهد، انتشار هنجاری جدید بین سیستم‌های مختلف است. به عبارت دقیق، باید این مسئله را بررسی کنیم: آیا هنجار بین سیستم‌های مختلف جابجا یا منتشر می‌شود و اینکه آیا این جابجایی در مورد پیدایش هنجار جدید روشنگری می‌کند؟

به منظور به‌کارگیری راهکار سنجش انتشار عدالت ترمیمی، در این تحقیق، وجودش در قوانین موضوعه و نظارتی مرتبط با سیستم‌های عمومی تجزیه و تحلیل شد. در این مقاله، داده‌های نشان داده شده در شکل‌های ۵ و ۶ در مورد کاربرد ماهوی به صورت مدون درآمد و در چهار دسته قرار گرفت (رسیدگی به جرائم اطفال، رسیدگی به جرائم کیفری، آموزش و رفاه اطفال). داده‌هایی که نمی‌شد آن‌ها را در یکی از چهار سیستم قرار داد با عنوان «داده‌های دیگر» به صورت مدون درآمدند و از شکل‌های ۵ و ۶ حذف شدند. «داده‌های دیگر» شامل بندهایی می‌شد که با اجراء و یا فرآیندهای عدالت ترمیمی یا کاربرد رسمی خاص در این چهار سیستم یا در مجاورتشان ارتباطی نداشت. نمونه‌های رایج قوانین موجود در دسته‌ی «دیگر» شامل قوانینی می‌شد که یک جریان درآمد یا مدل تأمین بودجه برای برنامه ایجاد و یا به منظور تشکیل هیئتی برای برنامه‌ای خاص در رابطه با عدالت ترمیمی، ساز و کاری را تعریف می‌کرد.

شکل پنج: عدالت ترمیمی در سیستم‌های عمومی (داده‌ها به صورت کلی و جمع‌شده)



با استفاده از این راهکار، چند نتیجه می‌توان گرفت. اول اینکه، در مورد افزایش مشروعیت عدالت ترمیمی می‌توان نتیجه‌ای کلی گرفت؛ وجود عدالت ترمیمی در قوانین چند سیستم بیان‌کننده‌ی افزایش کلی پذیرشش به عنوان هنجار قانونی جدیدی است. دوم اینکه، مجموعه داده‌های کنونی نمی‌تواند به شناسایی الگوهای خاص انتشار هنجار کمک کند. به عنوان مثال هدف از تجزیه و تحلیل تغییر موقتی، تشخیص انتقال هنجار از یک سیستم به سیستمی دیگر با گذشت زمان است. اما در برخی از موارد، در یک زمان عدالت ترمیمی در چند سیستم وارد شد.<sup>۱</sup> این مسئله بیان‌کننده‌ی موضوعی کلیدی در مدل‌های نظری تغییر هنجار است؛ یعنی اینکه فرآیند پیشروی هنجار (و تبدیل شدنش به قانون) به صورت چند شکلی روی می‌دهد و به صورت خطی یا غیرخطی، نشان داده می‌شود. سوم اینکه، محدوده‌ی عمومی هر ایالت که عدالت ترمیمی در چند سیستم وجود دارد، کاملاً کوچک است (سه ایالت که عدالت ترمیمی در سه سیستم<sup>۲</sup> و دو

<sup>۱</sup>- به عنوان مثال در سال ۲۰۱۱، مجمع قانون‌گذاری ایالت کلرادو قوانینی را وضع نمود. در این قوانین، کاربرد عدالت ترمیمی در مدارس به صورت مدون درآمده بود.

<sup>۲</sup>- کالیفرنیا، لوئیزیانا، فلوریدا و اورگون. به شکل شش رجوع کنید.

ایالت که عدالت ترمیمی در چهار سیستمش وجود دارد). بدین وسیله، نمی توان از این داده‌ها نتایج خاصی گرفت.

### شکل ۶. عدالت ترمیمی در سیستم‌های عمومی (در سطح ایالتی)

شیب رنگی در شکل ۶ ارتباط سیستم را نشان می‌دهد؛ دامنه‌ی این شیب از سیاه (چهار سیستم) تا سفید (بدون سیستم) در تغییر است.

State	Juvenile Justice	Criminal Justice	Education	Child Welfare
AL	X			
AK	X	X		
AG				
AR		X	X	
CA	X	X	X	
CO	X	X	X	X
CT	X			
DE			X	
FL	X	X	X	X
GA	X			
HI		X		X
ID	X			
IL	X	X		
IN			X	X
IA		X		
KS	X			
KY	X			
LA	X	X	X	
ME	X			
MD				
MA		X	X	
MI			X	
MO	X	X		
MS		X		
MT			X	
NC	X			
ND		X		
NH	X	X		
NJ	X		X	
NM		X		
NV	X			
OH	X	X	X	
OK	X		X	
OR				
PA	X			
RI			X	
SC	X			
SD			X	
TN				
TX			X	
UT	X			
VT	X			
WA			X	
WV	X			
WY	X			

### ج. نوع سه: تغییر انتخاب هنجار

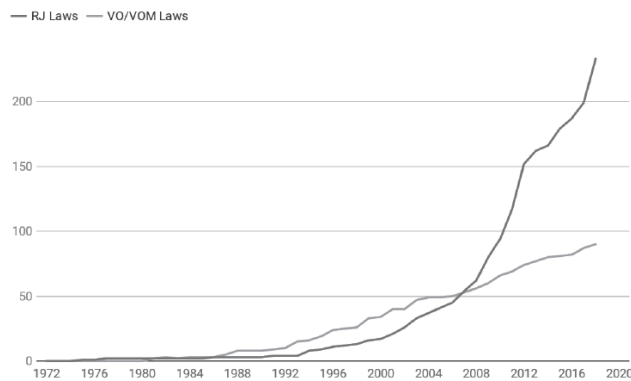
سومین ساز و کار احتمالی بررسی درونی‌سازی قانون و انتشار هنجارها به صورت قیاسی است. بررسی هنجار جدید در مقایسه با هنجارهای نو ظهور مشابه یا هنجارهایی که از قبل وجود داشته‌اند. به عنوان مرحله‌ای مشخص در چرخه‌ی حیات هنجار، زمانی نهادینه‌سازی رخ می‌دهد که هنجارهای جدید تا حد مشخصی پذیرفته و از آن‌ها پیروی شود. از این رو، می‌توان اینطور فرض کرد که با گذر زمان، بین هنجارهای مشابه، از لحاظ پیروی یا فراگیری در جامعه، تغییراتی رخ می‌دهد. این راهکار به خوبی، مدل‌های خرد و کلان اشباع یا انتشار بین سیستم‌ها را تکمیل می‌کند.

که قبلاً در موردشان بحث شد. این راهکار فعالیت‌های دیگری را شرح می‌دهد که در حین درونی‌سازی قانون، رخ می‌دهند. همچنین با تحقیقات در مورد این مسئله همسوست که در شرایط خاص، چگونه ساز و کارهای مختلف تأثیر و نفوذ اجتماعی ممکن است یکدیگر را (خنثی کنند). برای سنجش این معیار، چند راهکار روش‌شناختی هست. می‌توان به دنبال تفاوت‌های بین هنجارهای مشابهی گشت که با هم در جامعه هستند. به عنوان مثال می‌توان روندی را مشاهده کرد که بر اساس آن، اهمیت هنجار جدید در مقایسه با قبلی، افزایش می‌یابد. از سوی دیگر می‌توان این مسئله را بررسی کرد که آیا هنجار جدید ویژگی‌های هنجار قبل را دارد یا نه؟ این نمونه‌ها تنها دو تا از احتمالاتند. بدون توجه به معیار یا ابزاری خاص، توجه به درونی‌سازی قانون به این روش می‌تواند بیش از پیش، ما را با فرآیندهای کلی مرتبط با درونی‌سازی هنجار آشنا کند.

در این مقاله از طریق بررسی تفوق یا وجود عدالت ترمیمی در مقایسه با میانجی‌گری بین مجرم-قربانی یا دیگر گونه فرآیندهای قربانی- مجرم (گفتمان بین قربانی- مجرم) در قوانین موضوعه یا نظارتی ایالتی، راهکار مقایسه‌ی هنجارها در مورد عدالت ترمیمی بکارگرفته می‌شود. در شکل ۷، نتایج این تجزیه و تحلیل نشان داده شده است. از اواسط دهه‌ی ۱۹۸۰، تعداد موارد مدون‌سازی عدالت ترمیمی و میانجی‌گری مجرم قربانی یا مجرم- قربانی مشابه بوده است. به عنوان مثال از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۵، میانجی‌گری مجرم قربانی یا قربانی- مجرم و عدالت ترمیمی دو تا سه بار، به صورت مدون درآمد. بین سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۲، در مقایسه با عدالت ترمیمی، تعداد موارد میانجی‌گری مجرم قربانی یا قربانی- مجرم بیشتر بود. به عنوان مثال در سال ۲۰۰۰، عدالت ترمیمی تنها هفده بار و میانجی‌گری مجرم قربانی یا قربانی- مجرم سی و چهار مرتبه به صورت مدون درآمد. با این حال در سال ۲۰۰۴، بین این دو حوزه تغییری آشکار رخ داد. ورود عدالت ترمیمی به قوانین ایالتی افزایش یافت، اما به شکلی معنی‌دار میانجی‌گری مجرم- قربانی یا قربانی- مجرم بدون تغییر باقی ماند. توجه داشته باشید که از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۸، شانزده بار، میانجی‌گری مجرم قربانی یا قربانی- مجرم در قوانین ایالتی به صورت مدون درآمد (از چهل به پنجاه و پنج). اگر مقایسه کنیم، درمی‌یابیم که ورود عدالت ترمیمی به قوانین ایالتی تقریباً سه برابر شد (از بیست و شش مورد در سال ۲۰۰۲ به شصت و یک مورد در سال ۲۰۰۸). از سال ۲۰۰۹، این خلأ هر چه

بیشتر و به میزان کنونی ۱ : ۰ . ۵ بین قوانین عدالت ترمیمی و قوانین میانجی‌گری قربانی- مجرم منجر شد. این یافته در کمان از فرآیند درونی‌سازی عدالت ترمیمی در قانون را افزایش می‌دهد. نباید تصور کرد عدالت ترمیمی به سادگی در قوانین ایالتی رشد کرده است، بلکه در قیاس با گونه‌های قبلی فرآیندهای ترمیمی، به جایگاه برتری منتقل شده است.

شکل ۷: عدالت ترمیمی و میانجی‌گری مجرم قربانی / قربانی- مجرم



با توجه به دقت داده‌ها، سؤالات بی‌پاسخی باقی می‌ماند که مثل سؤالاتی‌اند که قبلاً، در موردشان بحث شد. به عنوان مثال عدالت ترمیمی چه ویژگی‌های خاصی دارد که طوری بر افراد و نهادها تأثیر گذارده که در مقایسه با میانجی‌گری قربانی- مجرم یا فرآیندهای توصیف‌شده به عنوان مجرم- قربانی، بیشتر انتخاب شود؟ آیا عدالت ترمیمی ویژگی‌های خاصی دارد که باعث می‌شود در مقایسه با دیگر هنجارهای مشابه، بیشتر از آن پیروی گردد؟ آیا ساختارهای فرصت سیاسی وجود دارند که بر عدالت ترمیمی تأثیر مثبت گذارند؟

از نظر من علت این مسئله در ساختار زبان‌شناختی عدالت ترمیمی ریشه دارد. عدالت ترمیمی به عنوان نظریه‌ی کلی یا دامنه‌ی محاوره‌ای وسیع‌تر درک می‌شود و مجموعه‌ی متنوعی از عرف‌ها و روش‌ها، همچون میانجی‌گری قربانی- مجرم را دربر می‌گیرد. با پذیرش هر چه بیشتر



عدالت ترمیمی اکنون می‌توان میانجی‌گری قربانی - مجرم را به عنوان یکی از اولین نمونه‌های عدالت ترمیمی درک کرد، نه نمونه‌ای از تمام مجموعه‌ی عدالت ترمیمی. دومین فرضیه‌ی مرتبط انتخاب روش‌ها و عرف‌های مبتنی بر مدرسه در اواسط دهه‌ی ۲۰۰۰ است. در بستر آموزشی، مدل‌های میانجی‌گری قربانی - مجرم (یا گفت‌وگو قربانی - مجرم) به طور رایج اجرا نشده‌اند و حتی در برخی از مواقع به هیچ وجه از آن‌ها استفاده نشده است. بنابراین چون اخیراً سیستم‌های جدید واکنش‌ها و روش‌هایی غیرتنبیهی را به صورت عملیاتی درآورده‌اند، بر اساس نظریه و اصلاح گسترده‌تر عدالت ترمیمی، نیاز به استفاده از روش‌های متنوع به وجود آمده است. همچنین شاید این توضیحات پاسخی به جابجایی یا انتشار غیرخطی عدالت ترمیمی بین سیستم‌های عمومی مختلف باشد. به عنوان هنجاری قانونی، به نظر می‌رسد عدالت ترمیمی دارای هویت نظری و عملی باشد که بتوان آن را به بسترهای متنوعی منتقل کرد. این بسترهای متنوع با سیستم‌های رسیدگی به جرائم اطفال و جرائم کیفری متفاوتند. بسته به هر مکان، این سیستم‌ها باید به شیوه‌ی جدیدی اجرا شوند. بنابراین با وجود اینکه یافته‌های به دست آمده از این معیار سنجش نمی‌توانند همه‌ی خردفرآیندهای احتمالی را شرح دهند، نمی‌توان چنین سؤالاتی را بررسی کرد.

##### ۵. درونی‌سازی عدالت ترمیمی بیرون از محدوده‌ی قوانین رسمی

در این مقاله به طور نظری به درونی‌سازی قانون و به طور نظری، به گسترش ماهیت عدالت ترمیمی در قوانین ایالتی توجه شد، اما هدف از نوشتن این مقاله اثبات این استدلال نبود که عدالت ترمیمی بهتر است یا باید به صورت مدون در قوانین ایالتی مورد توجه قرار گیرد تا مؤثر واقع شود. در حقیقت، در خود ایالات متحده و دیگر کشورها، نمونه‌های زیادی از ارزش‌ها و ایده‌ها، راه‌حل‌ها و روش‌های ترمیمی در بسترهای رسمی و غیررسمی هست که بدون مدون یا عملیاتی‌سازی، وارد قوانین شده‌اند.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> - از منظر جنبش اجتماعی، با وجود آنکه، آن را به صورت قانون درمی‌آورد، اما عدالت ترمیمی می‌تواند انواع فواید برهانی، سیاسی و استراتژیک را برای اصلاح‌طلبان، جامعه‌ی مدنی و سیاست‌گذاران داشته باشد. به عنوان مثال، در شیکاگو، با وجود نبود قوانین یا الزامات خاص ایالتی، افراد، گروه‌های اجتماعی و سازمان‌های غیرانتفاعی ارزش‌ها، مفاهیم و روش‌های مرتبط با عدالت ترمیمی را معرفی و ایجاد کرده‌اند. این مسئله را می‌توان در طیفی از فعالیت‌ها مشاهده کرد، از استفاده از محافل جامعه ساز به عنوان فعالیت‌های فوق‌برنامه گرفته تا ایجاد حلقه‌های عدالت ترمیمی در محله‌ها.

به عنوان مثال به ایالت *اورگون* توجه کنید. در حال حاضر هیچ نوع قانون ایالتی (و حتی از لحاظ ایدئولوژیکی، دلگرم کننده‌ای) وجود ندارد که در آن، روش‌های عدالت ترمیمی مبتنی بر مدرسه بیان شده باشد. با وجود این، از سال ۲۰۰۸، مناطق سراسر این ایالت به عنوان بخشی از خط‌مشی‌ها و روش‌هایشان در زمینه‌ی تنبیه و تأدیب و سیستم‌های چند لایه‌ای حمایتی، عدالت ترمیمی را اجرا کرده‌اند. (Scanelli, ۲۰۱۱) به عنوان مثال، در «ناحیه‌ی مدرسه‌ی پارکروس *اورگون*» با هدف کاهش انتقال دانش‌آموزان به مسیر مدرسه به زندان، اجرای روش‌های ترمیمی به‌گونه‌ای رخ داد که بین «اداره‌ی دادگستری اجتماعی در شهر پورتلند» و ناحیه‌ی شراکتی ایجاد شد. (Gonzalez, ۲۰۱۲: ۲۸۱-۳۰۱) اولین گونه‌های روش‌های عدالت ترمیمی در ناحیه‌ی مدرسه‌ی پارکروس و دیگر مدارس ناحیه‌ی پورتلند استفاده شد. این گونه‌ها براساس فرآیندهای تغییر مسیر، مدل‌سازی شدند و «خدمات اطفال» در بخش *مالتنوما* از آن‌ها استفاده کردند. (Tallman, ۲۰۲۰)

با این حال، سیستم‌های آموزش و عدالت کیفری تنها مکان‌هایی نیستند که در صورت نبود قوانین رسمی، در آن‌ها طرح‌های ابتکاری مربوط به عدالت ترمیمی ایجاد شد.<sup>۱</sup> در سراسر جهان، سیاست‌گذاران، وکلا و جوامع می‌خواسته‌اند عدالت ترمیمی را در تمام سطوح دولت و جامعه‌ی مدنی وارد کنند. معمولاً به یکی از این مدل‌ها «شهرهای ترمیمی» گفته می‌شود. این شهرها نماد مدل‌های منسجمی‌اند که به صورت بومی درآمده‌اند و در آن‌ها کارهای استراتژیک انجام می‌گیرد. بدین‌سان می‌توان با تلفیق ارزش‌ها و روش‌های عدالت ترمیمی در یکدیگر، جوامعی سالم‌تر ایجاد کرد که در آن‌ها مردم با هم برابرترند. شاید عدالت ترمیمی در قوانین و خط‌مشی شهرهایی درونی‌سازی شود که در آن‌ها، عدالت ترمیمی (به عنوان یک هنجار) وجود دارد، اما این کار اجباری نیست. در عوض در هرکدام از این شهرها، مجموعه‌ی متنوعی از کنشگران قصد دارند چهارچوب‌های عدالت ترمیمی را در بافت اجتماعی، سیاسی و ساختاری تلفیق کنند.<sup>۲</sup> در مورد

---

<sup>۱</sup> - با این حال، به خاطر رشد عدالت ترمیمی مبتنی بر مدرسه، در ایالت‌ها، به طور روزافزون قوانینی اتخاذ می‌شود تا کاربردش را به صورت رسمی درآورند. همچنین قانون و سیاست فدرال، عدالت ترمیمی را به عنوان مداخله‌ای در رابطه با تأدیب و تنبیه و مجموعه‌ای از روش‌های تخفیف‌دهنده درآورده‌اند تا عدم‌اغماض (در برابر ارتکاب جرم) و نابرابری را بررسی کنند.

<sup>۲</sup> . حوزه‌هایی همچون برنامه‌ریزی و طراحی شهری، ارائه‌ی خدمات اجتماعی، مدارس، سیستم‌های قضایی و توانمندی‌سازی. بنابراین، عدالت ترمیمی به‌طور هم‌زمان، یک سیستم، مجموعه‌ای از ارزش‌ها و چشم‌اندازی از حاکمیت خوب است.

آینده‌ی عدالت ترمیمی در ایالات متحده، سؤالات بی‌جوابی هست، با این حال مدون‌سازی روزافزونش باعث می‌شود نگرش‌های کنونی دوباره ارزیابی و بیش از پیش، به عملیاتی‌سازی‌شان درون و بیرون از قانون و سیستم‌های رسمی حقوقی توجه شود.

### نتیجه‌گیری

در این مقاله از طریق بررسی پیدایش عدالت ترمیمی به عنوان هنجاری جدید در زمینه‌ی آموزش و تأدیب و تنبیه، دامنه‌ی اثر قبلی‌ام گسترش یافت. براساس داده‌های این تحقیق، ویژگی قانونی و رسمی عدالت ترمیمی در ایالات متحده در حال گسترش یافتن است. بنابراین درونی‌سازی عدالت ترمیمی را نباید جدای از سیستم دانست، بلکه باید اینطور تلقی کرد که این مسئله در سیستم‌ها و شاخص‌های مختلف در حال توسعه یافتن است.

با توجه به حضور روزافزون عدالت ترمیمی در قوانین ایالتی و همچنین عملیاتی‌سازی‌شان در چند سیستم عمومی، نیاز به انجام چنین تحقیقاتی در بین منابع دیگر دیده می‌شود. به منظور بررسی خلأیی نظری و تجربی در منابع، این مقاله به دو روش، در این زمینه، مداخله می‌کند. اول اینکه، در آن چهارچوب نظری جدیدی برای سنجش درونی‌سازی هنجارها در قانون پیشنهاد می‌شود. با وجود آزمایش شدن بر اساس مجموعه داده‌هایی خاص، دسته‌بندی‌های ارائه شده در این مقاله در چشم‌اندازهای حقوق بین‌الملل و حقوق آمریکا بکار می‌روند. این دسته‌بندی‌ها جامع و به صورت دو سویه، منحصر به فرد نیست، بلکه هدفشان این است که هر چه بهتر، چگونگی پیدایش هنجارهای جدید در قانون را شرح دهند. دوم اینکه، در این مقاله به صورت تجربی، مدون‌سازی کنونی عدالت ترمیمی در قوانین ایالتی بررسی می‌شود. بر اساس داده‌های به دست آمده از نظرسنجی صورت گرفته در پنجاه ایالت، عدالت ترمیمی به عنوان هنجار حقوقی جدیدی، پدیدار شده است. بدون توجه به اینکه در سطح خرد یا کلان باشد، مشروعیت عدالت ترمیمی در قوانین مسیر کاملاً امیدوارکننده را پیش رو دارد. با وجود تفاوت‌های آشکار بین ایالت‌ها، اما این تفاوت‌ها می‌توانند برای تحقیقاتی مفید باشند که در آینده انجام می‌شود. همچنین از اهمیت یافته‌های کلی این پروژه کاسته نمی‌شود.

در حوزه‌های علمی گوناگون، این نتیجه‌گیری که عدالت ترمیمی به عنوان هنجاری قانونی پدیدار شده تأثیرات مهمی را از خود بر جای گذاشته و همچنین در اجرای روزمره قوانین هم مفید بوده است. از لحاظ تجربی، به رسمیت‌شناسی عدالت ترمیمی به عنوان هنجاری قانونی دانشمندان را وادار می‌کند تا به حوزه‌های جدید تحقیقاتی توجه کنند، مثل تحقیقاتی که در آن‌ها، ساز و کارهای تأثیر اجتماعی در فرآیند درونی‌سازی قانون، آزمایش می‌شود. چنین بررسی‌هایی می‌تواند به قضات، وکلای مدافع و کمیته‌های مربوطه درس‌های ارزشمندی بدهد که می‌خواهند در حوزه‌های قضائی‌شان، قوانین مشابهی را پیش ببرند. همچنین آن‌ها می‌توانند در حوزه‌های قضایی، همچون انتخاب سیستم، تغییرات در قوانین ایالتی را توجیه کنند. به عنوان هنجاری قانونی، عدالت ترمیمی پذیرفته و به خصوص، به طور دقیق، اشباعش در سراسر کشور درک شده است. اکنون از طریق پرسش سؤالاتی در مورد مبانی اخلاقی در علم حقوق یا عوامل حمایت‌کننده در قانون اساسی در فرآیندها و روش‌های عدالت ترمیمی، دانشمندان می‌خواهند تحقیقات تجربی و نظری را در اولویت قرار دهند. از سوی دیگر، شاید بیرون از سیستم‌های کنونی، حوزه‌های جدید را بررسی کنند تا راه‌حلی در مورد عدالت ترمیمی بیابند.

با این حال کاربرد یافته‌های این تحقیق تنها به برنامه‌های کاری تحقیقاتی محدود نیست. این چهارچوب قانونی روبه گسترش در مورد عدالت ترمیمی به همراه پذیرش سیاسی و اجتماعی گسترده‌ترش می‌تواند علامتی مهم برای جوامع، عمل‌گرایان، استادان و دیگر افراد تأثیر پذیرفته باشد. برای این افراد، عدالت ترمیمی می‌تواند برای دامنه‌ی وسیعی از مسائل مرتبط با عدالت، همچون آسیب نژادی، بی‌عدالتی زیست‌محیطی و نابرابری‌های آموزشی، یک راه‌حل باشد. درونی‌سازی و انتشار عدالت ترمیمی در قوانین ایالتی شرایط جدیدی را ایجاد کرده که از طریقشان، وکلا، قضات و سیاست‌گذاران می‌توانند به طور روزافزون، در مورد کاربرد عدالت ترمیمی در مراحل گوناگون فرآیندهای حقوقی، تصمیم بگیرند. آکادمی حقوق باید توجه داشته باشد که تقریباً در همه‌ی ایالت‌ها، به نوعی عدالت ترمیمی به صورت مدون درآمده است. این مسئله حاکی از نیاز فوری به افزایش توجه به برنامه‌های درسی در دانشکده‌های حقوق در مورد دروس مرتبط با عدالت ترمیمی است. شاید سرانجام دانشجویان رشته‌ی حقوق به خوبی، پیش‌بینی نشده باشد که نیازهای مشتریان و اربابان رجوعشان را بیان و به شکلی مؤثر در سیستم‌هایی کار

کنند که به طور روزافزون، از روش‌ها، فرآیندها و راه‌حل‌های عدالت ترمیمی استفاده می‌کنند. به علاوه دانشجویان علاقه‌مند به ایجاد راه‌حل‌هایی برای مسائل کنونی در زمینه‌ی عدالت، همچون محکوم نمودن تعداد زیادی از مردم به مجازات حبس، باید از طرز کار سیستم کنونی عدالت کیفری آگاه باشند و طرز کار ساختارهای جایگزین را هم درک کنند.

### فهرست منابع

۱. Ambrit et al. Restorative Justice: “Scientific Movement”, Footnote ۱ in the Page ۵۱۸.
۲. An Interview with Bob Talman, *Sch. Res. Officer, Parkose Sch. Dist in Portland* (۱۰ May, ۲۰۲۰).
۳. An Interview with Maria Scanley, the Vice-president of Solutions, Northwest, in Portland (۶ December, ۲۰۱۱).
۴. Carrel Stuffer & Sonia Shah, “Restorative Justice: Taking the Pulse of the Movement”, (the Script Not Published) (In the Case with Zerr Institute for Restorative Justice).
۵. David Night & Anita Wavoa. “Increasing Opportunities through a Particularly Precise Restorative Justice”. ۱۴-۱۶ (۲۰۱۴), *STUD INEdu, SCH* ۱۱.
۶. David B. Wilson et al. (۲۰۱۷), “The Differences of the Principles of International Restorative Justice to Consider Juvenile Misdemeanors”; *The Judiciary of the U.S.A.*
۷. Dona Coker. “The Logical Relation among Crime, Campus, Rape, and Restorative Justice”, *Tex* ۴۹, ۲۰۲-۰۳, ۱۴۷, *Tech L. Rev.*
۸. Fania Davis & Jonathon Sharer. “Reimagining and Restoring Justice: Toward the Process of Fact-finding and Reconciliation to Trigger Violence against African-Americans in the U.S.” in the book titled “Transforming Justice, Attorneys, and Practicing Law”. (Marjory Silver, Edi. ۲۰۱۷).
۹. Francisco J. Granados. “Integrated, Cultural, and Relational Environments of Organizations”, ۸۳ *Sco. Forces* ۸۸۳, ۸۸۵ (۲۰۰۵).
۱۰. Jennifer J. Llewellyn (۲۰۱۲), “Integrating Peace, Justice, and Development in a Relational Approach Concerning Mediation and Establishing Peace, Ethics and Society, Welfare”. ۲۹۰-۲۹۳.
۱۱. John Beit Weight & Filip Petit. “Republicanism and Restorative Justice: A Descriptive and Explanatory Relation”, *The Philosophy of Restorative Justice and Its Practice*. ۱۵۶, ۱۴۵-۵۹ (Hitter Strong & John Brit Witt, Edi. ۲۰۰۰).
۱۲. Hitler Strong et al., “May the Gatherings Concerning Restorative Justice Be Effective upon Lessening Re-committing Crimes?”, the findings obtained from the Kampe’s Accurate Assessment”, *J۳۱*, quantitative criminology (۲۰۱۵).
۱۳. Howard Zehr, *Changing Lenses: A New Focus for Crime and Justice* edit ۳d, Herald Press, ۲۰۰۵.
۱۴. <http://zehr-institute.org>.
۱۵. <https://zehr-institute.org/webinars/transformational-community-conferencing/>.
۱۶. <https://perma.cc/۶y۷d-pxb۳>.
۱۷. <https://www.ncjrs.gov/pdffiles/۱/ojddp/grants/۲۵۰۸۷۲.pdf> [<https://perma.cc/egr۰-n۲pt>].
۱۸. <https://law.gsu.edu/centers/consortium-on-negotiation-and-conflict-resolution/programs-and-research/> [<https://perma.cc/Uee۷-AFVK>].

19. Koh, Frankel's Speech in 1998, Footnote 14 above, in the Page 642.
20. "Plans and Research", GA State University, Law College. (Earlier in 9 June, 2019, the site is visited).
21. Marlin Armor, "Restorative Practices: Correcting the Deficiencies of Discipline in Trammeling Schools", 30 U. Rich. L. Rev. 999, 1019-23 (2016).
22. Mark S. Ambrit et al, "Restorative Justice in the 21<sup>st</sup> Century: A Social Movement Full of Opportunities and Challenges". 89 Marq. L. Rev. 201 (2000).
23. Sandra Pavelka, "Restorative Justice in States: an Analysis Concerning Substantive Laws & Policy Making". 3-9 (2016), Just.poly.j.
24. Shatoon M. Silva & Carolin J. Lambert, "The Code of Restorative Justice in the U.S.: An Analysis of the Emergent Legal Doctrine from the Perspective of Law" (2010) 80, 14J, POL'Y PRACTICE 77.
25. sonya shah, sarah king and carl sbauffer, restorative justice listening project, 2017.
26. Suzan Sharp. "Re-affecting Relations to Make them Compatible with the Purposes of Organizations", 2 Restorative Justice; 441-04, 441. An Int'l J (2017).
27. Talia Gonzalez, "Protecting Children in Schools: Restorative Justice, Discipline, and the Route between Schools and Prisons"; 201, 292, 281, Edu & J.L. 41 (2012).
28. William Bradshaw & David Roseboro. "A Dialogue Concerning Restorative Justice: the Effect of Mediation and Gathering upon Juvenile Committing Crimes". The Effect of the Principles of Restorative Justice upon Considering Juvenile Criminal Cases: An Ultra-analysis Conducted by the Judiciary Department of the U.S. (2017).